

سرشت بومی سازی:

درآمدی بر مفهوم بومی سازی جرم‌شناسی*

□ علی نجفی توانا^۱

□ مهران سهرابی اسمرود^۲

چکیده

پرسش از سرشت بومی سازی و زوایای آن، به پرسش از چیستی علم مرتبط است که همواره مورد توجه تاریخ و فلسفه علم بوده و واکاوی ابعاد آن، مستلزم جریان‌شناسی تاریخی مطالعات پسااستعماری و نقش آن در شکل‌گیری، تثبیت و استمرار گفتمان بومی سازی است. برای ارائه مفهومی دقیق از بومی سازی جرم‌شناسی و سرشت‌شناسی آن، از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و رویکرد انتقادی استفاده شده است. یافته‌های حاصل از واکاوی تحلیلی مطالعه نشان می‌دهد که از یک‌سو، بومی سازی جرم‌شناسی، فرایند درونی سازی کنترل جرم با عقل ایرانی است و از سوی دیگر، سیاست و خط‌مشی علمی با هدف تولید

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری (در حال نگارش) نویسنده مسئول مقاله، با راهنمایی دکتر علی نجفی تواناست.

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (ali-najafi@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) (sohrabi_2040@yahoo.com).

ادبیات نظریه‌های بومی جرم‌شناختی و جذب‌گزینشی و انتقادی نظریه‌های جرم‌شناختی غربی، با هدف کارآمدسازی آن‌ها برای کنترل جرم محسوب می‌شود. بنابراین نتایج تحلیلی نوشتار حاضر حاکی از آن است که در بستر اجتماعی ایران، شکاف معناداری میان نظام معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی جرم‌شناسی معاصر ایرانی با شاخص‌ها و مؤلفه‌های جرم‌شناسی بومی وجود دارد.

واژگان کلیدی: بومی‌سازی، جرم‌شناسی، فلسفه علم، جامعه‌شناسی علم، مطالعات پسااستعماری و بستر اجتماعی.

مقدمه

آغاز مسئله‌وارگی و مسئله‌مندی بومی‌سازی و اخذ و اقتباس از علم و فرهنگ و تمدن مغرب‌زمین در ایران در دوره معاصر، به پایان جنگ‌های ایران و روس برمی‌گردد؛ آن زمان که عباس میرزا با مخاطب قرار دادن مستشار فرانسوی به وی گفت: «اجنبی بگو چه کار کنم؟» (برزگر، ۱۳۹۵: ۱). شایان ذکر است که در پاسخ به این پرسش حساس، تاریخی و به نوعی پرسش عقب‌ماندگی نظامی و علمی پس از انقلاب مشروطه و با ورود علوم انسانی نوین غرب به ایران، در ارتباط با نحوه مواجهه با علم و تمدن غرب، مواضع زیر اتخاذ گردید: عده‌ای مطلقاً علم غربی را رد کرده و در صدد نفی و اخفاء آن برآمدند و با تکیه بر آرمان توهم استغناء، خود را از تولید هر گونه علم و اندیشه بی‌نیاز دیدند و در مقابل عده‌ای ضمن قبول مطلق علم و تمدن غربی و نفی ذخایر و موارث خودی و ملی، ایده از فرق سر تا ناخن پا فرنگی شدن را مطرح کردند و در نهایت رویکرد سوم «که به شدت در شرایط تاریخی و معاصر و تحت تأثیر استعمار و جلوه‌های معاصر آن در کشورهای مستعمره پایه‌ریزی شده است» (Cunneen & Tauri, 2017: 308)، نه رد مطلق علم غربی و نه قبول مطلق آن، بلکه رویکرد تهذیبی و اصلاحی یا همان بومی‌سازی^۱ علم را مطرح کردند.

در همین راستا، یکی از موضوعات مهمی که در کشورهای در حال توسعه و پیرامون و خاصه کشور ما از دهه‌های پیشین مورد اقبال واقع شده، گفتمان بومی‌سازی علوم

1. Indigenization.

اجتماعی و انسانی است. این موضوع در کشور ما، واجد اهمیت بسزایی بوده و از ضرورت‌های باریک‌بینی مضاعفی برخوردار است و بومی‌سازی جرم‌شناسی اتفاق نمی‌افتد، جز در پرتو بازنگری عمیق در تعریف جرم‌شناسی و تغییر لنزها در خوانش آن و سپس سرشت‌شناسی بومی‌سازی. در همین راستا، واکاوی سرشت بومی‌سازی جرم‌شناسی بر دوش این مقاله قرار گرفته است.

برای ارائه مفهومی دقیق از سرشت بومی‌سازی جرم‌شناسی و ضرورت‌های علی انتخاب موضوع برای پژوهش حاضر، مقدمتاً اشاره به چند نکته ضروری است؛ با این توضیح که سیادت علوم طبیعی محض بر سایر معرفت‌های بشری با استفاده از روش‌شناسی کمی، حسی و آماری، امروزه کارآمدی و کارایی و قدرت تبیین و توضیح‌دهندگی خود را از دست داده و مدعای سهمگین مکتب پوزیتیویستی/اثبات‌گرایی دایر بر نفی تفاوت علوم طبیعی و اجتماعی، انحصار روش‌شناختی و نظریات عام و جهان‌شمول دیگر رنگ باخته و حتی در بین اصحاب نحله پوزیتیویستی هم اجماعی در این مورد دیده نمی‌شود و عینیت، معنا و مفهوم دیگری در علوم اجتماعی پیدا کرده و به جای نظریات جهان‌شمول، «نظریه با برد متوسط»^۱ ارائه می‌شود و متواضعانه این ادعا مطرح می‌شود که به جای ارائه نظریات کلان و جهان‌شمول، باید به «تجلیل تفاوت‌های ملی و محلی» (فی، ۱۳۸۹: ۱۳) پرداخت و از مرگ پوزیتیویست سخن راند و از علم‌پرستی و علم‌زدگی محض دوری جست.

از یک طرف، همان‌قدر که از رونق و تلالؤ مکتب پوزیتیویستی کاسته می‌شود، بر رونق مدعای نگرش‌های چند فرهنگی، نسبی‌گرایی، پست‌مدرنیستی و گفتمان بومی‌سازی افزوده می‌شود که بی‌شک سهم مکتب فرانکفورت^۲ و نظریه انتقادی^۳ و آموزه‌های پست‌مدرنیسم در لزوم پرداختن به بومی‌سازی، نمود و نماد بیشتری می‌یابد و از طرف دیگر با آشکار شدن تفاوت‌های ملی، محلی و بومی و اینکه باید جهانی فکر کرد و بومی عمل کرد و با لحاظ رسالت اصلی جرم‌شناسی که کاهش نرخ بزهکاری (نه حذف آن)،

1. Mid-Range theories.
2. Frankfurt School.
3. Critical theory.

کنترل جرم و ایجاد تسالم اجتماعی است، پرداختن به بومی‌سازی در رأس اولویت‌های پژوهشی محققان علوم اجتماعی و جرم‌شناسی کشورهای پیرامون قرار می‌گیرد. در همین راستا پرداختن به مسئله بومی‌سازی، دست کم از سه جنبه حائز اهمیت فراوان است: بازگشت به خویشتن علمی، کنترل بومی جرم و دادوستد علم بومی با علم جهانی.

از جنبه اول، بومی‌سازی به معنای عام کلمه، با سیاست‌های کلان نظام و توسعه علمی گره خورده و این امر از زمان تصویب قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱ به بعد شدت بیشتری یافته و با ابلاغ متن الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت، تصویب نقشه جامع علمی کشور مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ شورای عالی انقلابی فرهنگی، پشتوانه رسمی و حاکمیتی پیدا کرده و به نوعی به مطالبه ملی تبدیل گردیده و هر آینه بومی‌سازی به معنای عام و خاص، مصداق بارز تولید علم و نقشه راه توسعه علمی محسوب شده است و کنشگران محققان دانشگاهی و جرم‌شناسی هم، مخاطب خاص این مطالبه‌اند.

جنبه دوم که مرکز ثقل نوشتار حاضر است، کنترل جرم از طریق مواجهه علمی، سنجیده، کارآمد و اثربخش با مسئله بزهکاری در ایران و در یک کلمه کنترل بومی جرم است. ناگفته پیداست که کشورمان مسائل و آسیب‌های اجتماعی منحصر به فردی دارد که نظیر آن را در کمتر کشوری می‌توان یافت. بافت جمعیتی بسیار جوان، نگاه ایدئولوژیک به علم، واقع شدن در مقطع حساس تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بحران مدیریت اجتماعی و حقوقی، افزایش نرخ جرایم و بزهکاری،^۱ در مجموع کارنامه نسبتاً موفق را در زمینه کنترل جرایم نشان نمی‌دهد. به همین مناسبت، فرضیه‌ای که مطرح می‌شود، مفعول ماندن نقش مدل‌های بومی کنترل جرم در کاهش نرخ جرایم و انحرافات در ایجاد تسالم اجتماعی است. اما قبل از هر چیز و قبل از بررسی امکان یا امتناع جرم‌شناسی در ایران و قبل از معرفی شیوه‌ها و مدل‌های کنترل جرم و حتی قبل از اینکه چالش‌های پیش روی بومی‌سازی احصاء و راهبردها و راهکارهای رفع آن بیان شوند، تبیین دقیق مفهوم بومی‌سازی، ضرورت بسیار مهم

۱. برای ملاحظه آخرین آمارهای مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور ر.ک: الف- ریاست جمهوری (سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران)، ۱۳۹۹: ۱۳-۱۲۲؛ ب- یوسفی و اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰۹-۲۱۲.

پژوهش حاضر است؛ ضرورتی که مقاله حاضر آن را بر دوش می‌کشد.

در خصوص جنبه سوم، اشاره به این نکته ضروری است که بومی‌سازی علوم اجتماعی و انسانی و خاصه بومی‌سازی جرم‌شناسی که از پیامدهای مطالعات پسااستعماری^۱ و آموزه‌های فلسفه علم به حساب می‌آید، به لحاظ بسترمندی بومی‌سازی، دارای قدمت چندانی در کشور نیست و عمدتاً از اوایل دهه هشتاد شمسی، بومی‌سازی علوم اجتماعی و سپس به صورت کم‌فروغ در زمینه علوم جنایی و تا حدودی جرم‌شناسی مورد بحث قرار گرفته که مدافعان و مخالفان عدیده‌ای را در ارتباط با فرایند و سازوکارهای بومی‌سازی دانش جرم‌شناسی داشته است. با عنایت به تطور تاریخی و نحوه صورتبندی علوم اجتماعی و انسانی در بستر اجتماعی، در خصوص نحوه بومی‌سازی و فرایند آن، قرائت و برداشت واحد و منسجمی وجود نداشته و به نوعی این مفهوم در درجه نخست، با بحران مفهومی مواجه بوده است. در همین راستا، مفروض اصلی نوشتار حاضر روی واکاوی بومی‌سازی در بستر اجتماعی و ارائه مفهوم نسبتاً قابل قبول از آن متمرکز شده است. به تعبیری، تبیین مفهومی بومی‌سازی به صورت دقیق، منتج به تبیین شیوه‌های بومی‌سازی (امکان و امتناع)، چالش‌ها و راهکارهای آن خواهد بود. در جهت پروبلماتیزه‌سازی بومی‌سازی، جوهره و سرشت آن، سؤالاتی به شرح ذیل به ذهن متبادر می‌شود:

«آیا به معنای دادوستد خلاق با دانش جهانی است یا گریختن از دانش جهانی؟
 تعامل بین‌المللی در علم است یا تقید علم؟ نسبت علم با واقعیت اجتماعی و امر فرهنگی است یا استحاله علم در واقعیت؟ علم‌شناسی و بررسی انتقادی علم است یا علم‌ستیزی، مسخ و مثله کردن علم؟» (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۲۰۰).

و در صورت قبول لزوم بومی‌سازی، مفهوم دقیق بومی‌سازی جرم‌شناسی چیست؟ پاسخ به پرسش‌های فوق، ضرورت‌های حاکم بر پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. فلذا برای ارائه یک مفهوم قابل قبول از بومی‌سازی جرم‌شناسی، نوشتار حاضر در دو گفتار جداگانه بدواً به تجزیه و تحلیل مبانی نظری بومی‌سازی و سپس گفتمان بومی‌سازی جرم‌شناسی پرداخته است. در گفتار اول با مروری اجمالی به آبخورها و مبانی معرفتی بومی‌سازی جرم‌شناسی، و در گفتار دوم به بررسی گفتمان بومی‌سازی جرم‌شناختی

1. Postcolonial studies.

اقدام کرده و سپس با تحلیل جریانات گفتمانی موجود و نقد و بررسی آن‌ها، تعریف مختار بومی سازی ارائه و شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن تبیین گردیده است. برای پاسخ‌گویی به این سؤالات، مفروضات پژوهش به صورت زیر ارائه شده است:

- ۱- جرم‌شناسی به عنوان یک علم تجربی^۱ محض نبوده بلکه به عنوان یک رشته علمی^۲ دانشگاهی مبتنی بر رویکردهای تجربی، عقلی، شهودی و فلسفی محسوب می‌شود.
- ۲- ارائه مفهوم دقیق بومی سازی، شرط علی و مهم مسئله‌شناسی بومی و سپس شناخت شیوه‌ها (امکان و امتناع)، چالش‌ها و راهکارهاست.
- ۳- بومی سازی جرم‌شناسی، یک سیاست و خط‌مشی علمی برآمده از عقل ایرانی، برای کنترل بومی جرم است.

گفتار اول: مبانی نظری تحقیق

۱. مبانی معرفتی بومی سازی

بومی سازی جرم‌شناسی، یک تلاش شناختی و معرفتی است و برای اینکه مشخص شود بومی سازی جرم‌شناسی در ایران، از چه مبانی معرفتی تغذیه می‌کند، قبل از تبیین تعاریف و گفتمان‌های موجود در این حوزه، معرفی آبخورهای تاریخی، اجتماعی و فلسفی این بحث ضرورت دارد. با تدقیق در ادبیات و بدنه دانشی انباشته در این حوزه، مهم‌ترین مبانی معرفتی بومی سازی مشتمل بر «مطالعات پسااستعماری» و «آموزه‌های فلسفه و جامعه‌شناسی علم» هستند که به شرح ذیل آمده‌اند.

۱-۱. مطالعات پسااستعماری

یکی از پیامدهای مهم جنگ جهانی دوم، به صدا درآمدن ناقوس استقلال‌طلبی کشورهای تحت استعمار بود. این کشورها برای رهایی از امپریالیسم فکری، فرهنگی و به نوعی برای خلاصی از دوگانه خود - دیگری^۳، مطالعات پسااستعماری را به تاسی از

1. Science.
2. Discipline.
3. Self-other.

آموزه‌های پست‌مدرنیسم بالاخص با اقتباس از اندیشه‌های مارکسیستی آنتونیو گرامشی، گرایش‌ات فکری ژاک دریدا و میشل فوکو ایجاد کردند که از دل این مطالعات، دو شاخه فرعی شرق‌شناسی^۱ و مطالعات فرودستان^۲ زاده شد.

دغدغه اساسی متفکران و علمای اجتماعی کشورهای تحت سلطه این بود که در طول حدود ۴۰۰ سال استعمار، هویت تاریخی، اجتماعی، علم و فرهنگ آن‌ها نادیده گرفته شده و دانش وارداتی از غرب، کارایی، کارآمدی و اثربخشی لازم را در حل مسائل اجتماعی و پدیده بزهکاری نداشته و آن‌ها باید برای حل مسائل و آسیب‌های اجتماعی خود به تولید علم بومی مبادرت کرده و در مقابل علم استعماری، علم بومی تأسیس نمایند.

۱-۱-۱. شرق‌شناسی^۳

یکی از شاخه‌های فکری مهم مطالعات پسااستعماری، گفتمان شرق‌شناسی بود که کنشگر اصلی این گفتمان، ادوارد سعید بود. به زعم وی، «شرق‌شناسی در تحلیل نهایی، دانش غربی است که شرق، روی منفی سکه آن محسوب می‌شود و از طرفی شرق‌شناسی خود بعدها با دو جریان فکری نقادی نظر نویسندگان غرب در مورد شرق» (درودی و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۱۳) یا همان «شرق‌شناسی مصطلح با کنشگران مهم این شاخه، عبدالمالک، ادوارد سعید، امه سزر و فرانتس فانون که در دو حوزه مهم تأثیرگذار شدند؛ حوزه نظری و روش‌شناختی و حوزه واقعیات اجتماعی که ادوارد سعید در کتاب شرق‌شناسی، به طرز روشنی با نقد از رویکرد پوزیتیویستی غربی‌ها، تلاش داشت از این رویکرد عبور کند» (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۹) و «جریان فکری دوم، نظر محققین اجتماعی کشورهای جهان سوم در مورد مسائل اجتماعی مرتبط با بستر اجتماعی خود است» (درودی و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۱۴). این جریان فکری موسوم به «شرق‌شناسی معکوس

1. Orientalism.

۲. مطالعات پسااستعماری، چهارچوب نظری کلان برای بومی‌سازی علوم انسانی است که این مطالعات ابتدا تحت عنوان مطالعات پسااستعماری، نخستین بار در فرهنگ لغت آکسفورد ظاهر شد و به عنوان مطالعات امپریالیسم و مطالعات کشورهای مشترک‌المنافع از دهه ۱۹۸۰ میلادی به کار خود ادامه داد (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۲).

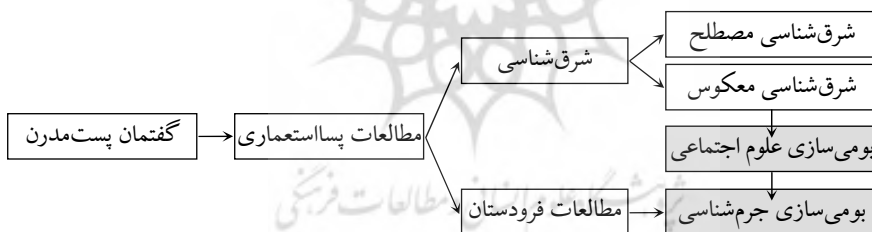
۳. مطالعات شرق‌شناسی و نقد آن را برای اولین بار عبدالمالک در دهه ۱۹۶۰ آغاز کرد و سپس ادوارد سعید در دهه ۱۹۷۰ در کتاب دوران‌ساز خود شرق‌شناسی گسترش داد (همان: ۱۰).

یا وارونه، گفتمانی بود که روشنفکران و سرآمدان شرقی به کار گرفتند تا ادعا کنند که هویتی حقیقی و اصیل دارند و سپس این هویت را به چنگ آورده و مالک شوند. این شیوه هویت‌سازی، غالباً به عنوان عامل خنثی‌کننده روایت غربی‌ها از شرق بوده» (زائری، ۱۳۸۴: ۳۸۸) و نوعی بازگشت به خویش‌ن علمی برای تولید علم بومی است.

۲-۱-۱. مطالعات فرودستان^۱

شاخه دوم و مهم مطالعات پسااستعماری، مطالعات فرودستان بود که تأثیر بسزایی در تقویت گفتمان بومی‌سازی گذاشت. گایاتری اسپواک^۲ در خوانشی جدید و در بستر مطالعات فمینیستی (متأثر از گفتمان پست‌مدرنیسم) به این مسئله مهم پرداخته است که آیا زیردستان می‌توانند سخن بگویند؟^۳ و همین دیدگاه، موج عظیمی از بیداری علمی را در کشورهای استعمارزده ایجاد کرد که اثرات آن در کشورهای شرقی نظیر مالزی، هند، پاکستان و حتی ایران انکارناپذیر است. شکل شماره ۱، روند شکل‌گیری گفتمان بومی‌سازی را از مخازن معرفتی آن نشان می‌دهد.

شکل شماره ۱: روند شکل‌گیری گفتمان بومی‌سازی (مطالعه حاضر)



در بررسی تأثیرات عمیق مطالعات پسااستعماری و نحله‌های فکری زیرمجموعه آن بر بومی‌سازی علوم اجتماعی در کشورهای شرقی و عمدتاً مسلمان باید به این مهم اشاره کرد

1. Subaltern studies.

2. Gayatri Spivak.

۳. اسپواک در جستار بسیار مهم خود در سال ۱۹۹۵ به این مهم با این تعبیر اشاره کرده است: "Can the subaltern speak?"

۴. اسپواک کلمه زیردستان را وامدار آنتونیو گرامشی، فیلسوف مارکسیست ایتالیایی است که این واژه، نوعی تحقیر دیگری (شرقی) است و به کسی که مقام پایین دارد، لایه‌های پایین جامعه استعماری، افراد بی‌خانمان، بیکار، کشاورزان فقیر و کارگران روز مزد و افراد دیگر در این خصوص اشاره دارد (همان: ۱۷).

که پیامد مهم مطالعات پسااستعماری در طرح سؤالات بنیادی در جهت خودآگاهی شرقی بود؛ شرقی که قبل از آن، اُبژه تحقیق غرب به حساب می‌آمد؛ سؤالاتی از این قبیل:

- آیا فرودستان می‌توانند حرف بزنند؟

- نقطه شروع بومی‌سازی کجاست؟

- چگونه می‌توان علوم اجتماعی متناسب با اقتضانات کشورهای تحت سلطه و

شرقی ایجاد کرد؟

- چطور می‌توان با تولید علم مرتبط با جامعه،^۱ به علم اجتماعی هویت مستقل

بخشید؟ (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۰).

در تحلیل نهایی مطالعات پسااستعماری و جریان‌های فکری مأخوذ از آن در

تکوین، تقویت و تثبیت گفتمان بومی‌سازی در کشورهای تحت سلطه باید به این مهم

اشاره کرد که در این گفتمان فکری، خاصه رویکرد جدید آن، نوعی تعامل آگاهانه و

هدفمند با جهان علم غرب در جهت افزایش خودآگاهی شرقی و با هدف هویت‌یابی

علمی و خودباوری علمی به چشم می‌خورد و این قبیل مطالعات از دو بعد، گفتمان

بومی‌سازی علم را تحت تأثیر قرار داد: شرق‌شناسی و مطالعات فرودستان. تأثیر این

مطالعات در کشورهای شرقی نظیر مالزی، هندوستان، پاکستان و از جمله ایران بالاخص

از دهه ۱۳۴۰ مشهود بود. در ایران انتشار کتاب معروف غرب‌زدگی جلال آل احمد^۲ در

روایایی بین غرب و شرق، توجه فزاینده‌ای به مسائل فرهنگی نشان داد و به دفاع از هویت

شرقی - بومی در برابر غرب استعماری پرداخت (همان: ۲۹). پس از پیروزی انقلاب اسلامی

۱. به تعبیری «علم حساس به زمینه» ایجاد کرد (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴).

۲. نظرگاه آل احمد و نسبت آن با بومی‌سازی جرم‌شناسی در ربط با مطالعات پسااستعماری معنا و مفهوم دارد؛

چرا که آموزه‌های ایشان در باب «ضرورت‌سنجی بومی‌سازی» (نیک‌بخت، ۱۳۹۳: ۲۶)، یکی از مقولات

محوری در بستر جامعه ایرانی محسوب می‌شود که باز نمود بومی‌سازی در بستر مندی ناشی از تحولات تاریخ

ایران قابل پیگیری است. این بخش از سخنان جلال آل احمد مؤید ادعاست: «از غرب، یک مقدار چیز

ما لازم داریم بگیریم؛ اما نه همه چیز را. از غرب یا در غرب، ما در جست‌وجوی تکنولوژی هستیم. این را

وارد می‌کنیم و عملش را هم می‌آموزیم. گرچه غربی نیست و دنیایی است اما دیگر علوم انسانی را نه.

علوم انسانی یعنی از ادبیات بگیر تا تاریخ و اقتصاد و حقوق، این‌ها را من خودم دارم و بدم... اما اندیشه‌ها مان

که از راه علوم انسانی ساخته می‌شود چه؟ فعلاً غیر از همین چیزها، چیز دیگر داریم به ازای ایرانی بودن؟» (همان. برگرفته از متن سخنان جلال آل احمد خطاب به دانشجویان در تاریخ ۱۳/۰۲/۱۳۴۶).

و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی و تأسیس دانشگاه تربیت مدرس و انتشار مجلاتی نظیر *فصلنامه تحول در علوم انسانی*، زمره‌های بومی‌سازی در علوم انسانی و اجتماعی - با محوریت علوم سیاسی و جامعه‌شناسی -، سپس علوم جنایی و جرم‌شناسی با میانجیگری فلسفه علم شنیده شد.

۲-۱. فلسفه علم و بومی‌سازی

یکی دیگر از حوزه‌های بسیار مهم و تأثیرگذار بر بومی‌سازی علم، آموزه‌های فلسفه علم، مبادی و مبانی مابعدالطبیعی علم جدید است. قبل از ورود به این مهم، ذکر مقدماتی برای تمهید مطلب ضروری است؛ با این توضیح که در تعبیر بومی‌سازی علم باید دقیقاً مشخص شود که منظور از علم چیست؟ آیا منظور، علم تجربی به معنای اخص کلمه^۱ است یا علم اجتماعی^۲ و انسانی^۳؟ فایده عملی این تفکیک چیست؟ پیامدهای روش‌شناختی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی این تفکیک در امر بومی‌سازی کجا ظاهر می‌شود؟ و این تفکیک امکان‌پذیر نیست مگر با ماهیت‌شناسی علم تجربی محض. مدعای اصلی مقاله در بخش حاضر این است که در درجه اول، فلسفه علم به این امر کمک می‌کند تا ماهیت واقعی علم شناخته شود و زمانی که ماهیت علم تجربی و انسانی مشخص شد، به تبع آن روش‌شناسی و معرفت‌شناسی خاص آن علم کشف شده و این امر به مثابه نقشه راهی در بومی‌سازی علم خواهد بود.

سیر تاریخی دانش جرم‌شناسی در ایران نشان می‌دهد که جرم‌شناسی در کشور ما هنوز ساحت قرن نوزدهمی دارد؛ یعنی مشکل جرم‌شناسی ایرانی در اروپازدگی آن، و مشکل اروپازدگی آن در لمبروزدگی آن بوده و نتیجه این هر دو، در گرایش کلی غالب جرم‌شناسان ایرانی در علوم تجربی‌انگاری جرم‌شناسی است و اگر پارادایم اثباتی‌گرایی محض در حوزه روش‌شناسی و معرفت‌شناسی حاکم باشد، اصلاً بومی‌سازی امکان‌پذیر نخواهد بود و راز مخالفت مخالفان بومی‌سازی علم و جرم‌شناسی در گرایش به پارادایم مذکور است؛ در حالی که در بخش‌های قبلی بیان

1. Science.
2. Social science.
3. Human science.

شد که مطالعات پسااستعماری (شرق‌شناسی و مطالعات فرودستان) به نقد پارادایم اثباتی پرداخته و از آن می‌گذرد و داده‌های فلسفه علم هم، ضمن رویگردانی از علم تجربی‌انگاری جرم‌شناسی، آن را به علم دانش انسانی تحویل می‌کند و به عبارت بهتر، جرم‌شناسی -و به تبع آن بومی‌سازی جرم‌شناسی- بیشتر از آنکه علم تجربی محض و تابع پارادایم اثباتی و تحصلی باشد، یک علم انسانی و اجتماعی مبتنی بر رویکردهای تجربی است و تجزیه و تحلیل الگوهای معرفتی و رویکردشناسی علم جدید به نحو روشنی ثابت می‌کند که جرم‌شناسی، نه علم تجربی محض بلکه یک علم انسانی تجربی^۱

۱. بین علوم تجربی محض و علوم انسانی تجربی از حیث موضوع، هدف، روش، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی، تفاوت‌های عدیده‌ای وجود دارد: ۱- موضوع علم تجربی محض مثل شیمی، زیست‌شناسی، پزشکی و دیگر علوم دقیقه، طبیعت و ماده است؛ در حالی که موضوع علم انسانی تجربی انسان و جامعه است. ۲- هدف علم تجربی محض، شناخت ماهیت، کارکرد و کنش و واکنش ماده بما هو ماده است؛ در حالی که هدف علوم انسانی تجربی، فهم معنای رفتار انسانی و فهم و تفسیر تحولات جامعه است (فی، ۱۳۸۹: ۲۵۸-۲۶۸). ۳- در علوم تجربی محض، حصر روش‌شناختی حاکم بوده و یگانه روش کسب علم و معرفت به پدیده‌های مادی و طبیعی، تجربه و حس است؛ در حالی که در علوم انسانی تجربی، تکثر روش‌شناختی از قبیل اثباتی‌گری، تفسیری، انتقادی و عقلی حاکم است. البته شایان ذکر است که دیدگاه افراطی پارادایم اثباتی و اصحاب مکتب پوزیتیویستی در حصر روش‌شناختی و اتکاء صرف به تجربه و حس توسط اندیشمندانی از قبیل فردریش فون هایک، مورد جرح و تعدیل فراوان قرار گرفته است. ۴- در علوم انسانی مدرن به معنایی که جان استوارت میل آن را ابداع، و ویلهلم دیلتای آن را بسط، و ماکس وبر آن را تفسیر و تأویل کرده، تجربی بودن صفت علم نیست، شبیه آنچه در علوم تجربی مطرح است؛ یعنی علم بودن یک رشته، متکی بر تجربی بودن آن است به آن معنایی که از آن اراده می‌کنند، ولی در علوم انسانی تجربی، پسوند تجربی، صفت علم نیست و علم قائم به حس و تجربه و حواس پنج‌گانه نیست، بلکه صرفاً بیانگر این است که این علوم از روش‌های تجربی و مضمون‌های تجربی (به تعبیر کارل پوپر) نیز در تبیین انسانی و جامعه‌ی خود استفاده می‌کنند. برای مثال، امیل دورکیم در کتاب خودکشی، آمار را از آدولف کتله بلژیکی اخذ کرد و علت خودکشی در بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها را مورد تبیین و تحلیل اجتماعی قرار داد؛ ولی تحلیل خود را نه صرفاً در قالب عدد و رقم و آمار بلکه در قالب واقعیات اجتماعی و مبتنی بر آن‌ها ارائه کرد. ۵- تفاوت مهم دیگر در عینیت در دو علم است؛ عینیتی که در علوم تجربی محض کاربرد دارد به هیچ وجه قابلیت و قدرت توضیح‌دهندگی در علوم انسانی تجربی ندارد و ابتر و ناقص است و آن را تقریباً محال می‌داند، ولی در علوم انسانی تجربی، «عینیت شامل تهی بودن یا قطع علاقه کردن نیست، بلکه صفت فاصله‌گیری از اعتقادات شخصی تا آن حدی است که شخص بتواند آن اعتقادات را در معرض بررسی و معاینه قرار دهد و صفت‌باز بودن به قدر کافی نسبت به شایستگی احتمالی سایر دیدگاه‌هاست» (همان: ۳۶۹). این همان معنای عینیت وبری از علوم انسانی و اجتماعی تجربی است (برای دیدن بحثی درخشان در خصوص تفاوت دو نوع علوم، ر.ک: صمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۸۷).

و به عبارت بهتر یک رشته علمی مستقل دانشگاهی است.

از سوی دیگر، بومی‌سازی جرم‌شناسی به عنوان یک رشته علمی نه علم تجربی محض، در مقام دوم علم یعنی مقام «توجیه علم»^۱ است نه مقام «گردآوری و اخذ»^۲. با این توضیح که از لحاظ تحلیل فلسفی، در فلسفه علم بحث بسیار مهمی در ارتباط با مقامات دوگانه علم وجود دارد:

۱- مقام گردآوری علم که در این مقام -یعنی مرحله اخذ، تحصیل و تألیف-، علم وحشی، بی‌وطن، بی‌زمان، بی‌مکان، بی‌تاریخ و بی‌جغرافیاست. به دیگر سخن، علم در مقام گردآوری، شرقی، غربی، بومی، استعماری، اسلامی و غیراسلامی ندارد؛ ولی در مرحله گردآوری، تفاوتی در علم دقیقه و محض یا علم اجتماعی و انسانی بودن وجود ندارد. برای مثال در علوم دقیقه و طبیعی، اینکه آب در ۱۰۰ درجه به جوش می‌آید، یک قانون کلی و جهانی است، زمان و مکان نمی‌شناسد و متناظر با آن در علوم اجتماعی، اینکه هر معلولی علتی دارد هکذا.

۲- ولی مقام دوم علم، مقام توجیه یا موجه‌سازی و انطباق‌پذیری علم است و در این مقام است که علم صبغه محیطی، بومی و اقلیمی به خود می‌گیرد و به عبارتی «در مرحله داوری است که در آن توسط تجربه یا برهان، نسبت به اندیشه‌ای قضاوت می‌شود که نزد ما حاصل شده است تا صحیح از سقیم بازشناسی شود»^۳ (سروش، ۱۳۹۳: ۴۹). بومی‌سازی در واقع مختص این مقام از علم است و اگر جایگاه این مقام از علم به درستی تبیین شود، دیگر مخالفت‌ها با بومی‌سازی بی‌معنا خواهد شد. بدیهی است که

1. Context of discovery.

2. Context of Justification.

۳. در ارتباط با نقش عقل در بومی‌سازی علم، سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که عقل در کدام یک از مقامات دوگانه علم (منظور از مقامات علم در اینجا، مفهوم اصطلاحی آن در فلسفه علم است نه معنای لغوی آن) مدخلیت دارد؟ ناگفته پیداست که «أول ما خلق الله العقل»، ولی نقش عقل در نظام معرفتی اسلام و حتی بحث تولید علم و بومی‌سازی آن (منظور در اینجا بومی‌سازی جرم‌شناسی) حقیقتاً مغفول مانده است. عقل معیار و ملاک نهایی داوری در همه چیز است؛ ولی از لحاظ آموزه‌های فلسفه علم، منظور از نقش عقل، جایگاه برجسته آن در مقام دوم علم، همان مقام داوری (context of Justification) است. به همین خاطر در این پژوهش، ماهیت اصلی بومی‌سازی جرم‌شناسی، کنترل جرم با عقل ایرانی است که در مقابل عقل غربی و عربی قرار می‌گیرد.

اشاره‌ای گذرا به الگوهای معرفتی و رویکردشناسی جامعه‌شناسی علم جدید برای اثبات تجربی نبودن جرم‌شناسی و امکان بومی‌سازی جرم‌شناسی در پرتو الگوهای معرفت‌شناسانه، رکن فربه بومی‌سازی و قوام‌بخش بوم‌مایه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی آن است.

۱-۲-۱. الگوهای معرفتی علم جدید و بومی‌سازی

مارتین هایدگر در مقاله «عصر تصویر جهان»، علم جدید را یکی از مظاهر پنج‌گانه عصر جدید دانسته است. «امروز وقتی واژه علم را به کار می‌بریم، معلوم است که کاملاً مغایر با معنای واژه‌های doctorina و scientia در قرون وسطی به کار می‌رود و همچنین مغایر با معنای واژه episteme در زبان یونانی. علم یونانی اصلاً از سنخ علوم دقیقه نبود؛ زیرا از نظر ماهوی نمی‌توانست از آن سنخ باشد و نیازی نیز به آن نداشت. فلذا تصور اینکه علم جدید، دقیق‌تر از علم کهن است، به کلی بی‌وجه است. باید ابتدا خود را از عادت مقایسه علم جدید با علم قدیم و رده‌بندی آن‌ها از زاویه پیشرفت و ترقی رها کنیم. ماهیت آنچه امروز آن را علم می‌نامیم پژوهش^۱ است، ولی ماهیت پژوهش چیست؟^۲ ماهیت پژوهش این است که آگاهی و شناخت، خود را به عنوان طرز عمل^۳ در بطن حوزه‌ای از موجود بنا می‌نهد؛ چه در طبیعت و چه در تاریخ» (هایدگر، ۱۳۷۹: ۱۴۰-۱۴۱).

هایدگر در جستار عمیق دیگر خود تحت عنوان «انسان‌گرایی و تخریب/تفکیک تاریخ» که کوبنده‌ترین نقدها را متوجه علم و تکنولوژی کرده است (سوفر، ۱۳۷۵: ۱) و این بخش از نقدهای او که از جمله پرنفوذترین میراث‌های فلسفی او محسوب می‌شود، حاوی چند پیامد مهم و اساسی در تفکیک ماهیت علم انسانی از علم تجربی است که به شرح ذیل صورت‌بندی شده است:

1. Research.

۲. در ارتباط با معنای لغوی، اصطلاحی و روش‌شناسی و گونه‌شناسی پژوهش، سخن بسیار است و خواص به نیکی بر آن آگاه هستند و تعریف مندرج در متن مقاله، برگرفته از آموزه‌های فلسفی «هایدگر» است؛ ولی در تعریفی دیگر، ماهیت پژوهش جست‌وجوست و دستاورد مهم آن آگاهی است.

3. Procedure.

- برداشت منجمد از علم جدید ممنوع است.

- «ریاضیاتی کردن^۱ علوم انسانی و اجتماعی، نفی ذات و ماهیت اصیل این قبیل

معارف بشری است.

- تفاوت علوم تجربی با علوم انسانی به این جهت نیست که علوم تجربی و دقیقه، محاسباتش صحیح و دقیق است؛ بلکه دقت و صحت محاسباتش به این جهت است که این پژوهش، متعلق به قلمروی است که خصوصیت آن دقیق بودن است در مقابل علوم انسانی. در واقع همه علوم مرتبط با حیات، لزوماً باید غیرواقع باشد تا انضباط و استحکام آن‌ها حفظ شود. دقیق نبودن علوم انسانی، عیب و نقص برای این علوم نیست؛ بلکه لازمه ذاتی تحقیق در این نوع علوم است» (هایدگر، ۱۳۷۹: ۱۴۲). هایدگر با این بیان، سیادت علوم تجربی بر علوم اجتماعی و انسانی را نمی‌پذیرد؛ بلکه با شناسایی دقیق ماهیت علم جدید و شناسایی دقیق تفاوت‌های علم تجربی با انسانی، مبانی مابعدالطبیعی و فلسفی علم را آشکار می‌سازد و این ایده همسو با مدعای پژوهش حاضر است که تجربی دانستن جرم‌شناسی، ناشی از بدفهمی ماهیت دقیق علم جدید بوده و امتیازی برای آن نمی‌آورد؛ بلکه باید به دنبال روش‌های تحقیق متناسب با ماهیت علوم انسانی و به طریق اولی جرم‌شناسی رفت و با این تفاسیر، مطابق آموزه‌های ویلهلم دیلتای^۲، مؤسس علوم انسانی مدرن، روش‌شناسی علوم انسانی تجربی (جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی و علوم مرتبط) همین‌جا از روش‌شناسی علوم تجربی محض جدا می‌شود؛^۳ چرا که دیلتای با صراحت معتقد بود که «تیین محور اصلی در علوم طبیعی و فهم کانون پروژه علوم انسانی است» (ملکی و داوری اردکانی، ۱۳۹۸: ۲۴۵) و بنیان و ساختار علوم انسانی تماماً با بنیان و ساختار علوم طبیعی متفاوت است و این تفاوت بنیانی، تفاوت جوهری موضوع علوم تجربی با علوم انسانی و مآلاً تفاوت در شیوه‌ها و مدل‌های بومی‌سازی را به دنبال دارد و بدیهی است که با این رویکرد، روش تحقیق در علوم انسانی تجربی با اتخاذ از مفاهیم جوهری ایده دیلتای و

1. Mathematical.

2. Wilhelm Dilthey.

۳. در جهت ملاحظه تفاوت‌های این دو علم، ر.ک: پاورقی صفحه ۷۰.

ماکس وبر^۱، روش تفهیمی و تفسیری است نه تبیینی و تجربی محض. با توجه به مفهوم‌شناسی جوهر علم جدید و بیان برخی تمایزات آن با علوم انسانی و اجتماعی، با التفات به الگوهای معرفتی مطرح در جامعه‌شناسی علم، نقش هر یک از این الگوها در بومی‌سازی جرم‌شناسی مشخص می‌شود. در جامعه‌شناسی علم، دو الگوی معرفتی شناسایی شده است:

۱- الگوی معرفتی رابرت کینگ مرتون^۲؛

۲- الگوی معرفتی مایکل گیبونز^۳ در کتاب تولید دانش جدید.

در الگوی مرتون، «طبق رویکرد حاکم در مکتب کارکردگرایی، دو رکن سازگاری و حمایت ارزش‌های فرهنگی از نهاد علم، خیلی مهم است و این هنجارها (هنجارهای درون علم) تنها در جامعه لیبرال دموکراسی مدرن تضمین می‌شود؛ ولی در الگوی گیبونز که در تقابل با رویکرد اول است، اصالت با اقتصاد است نه فرهنگ» (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶).

پس با الگوشناسی معرفتی مرتون و گیبونز و با لحاظ ماهیت علم جدید و قدیم و تمایز علم تجربی با علوم انسانی و اجتماعی می‌توان گفت که الگوی معرفتی مرتون و گیبونز، هر یک در زمینه و بستر اجتماعی خاص منجر به تولید علم و بومی‌سازی آن می‌شود. هرچند هیچ یک از الگوهای مذکور مطابقت کامل با نظام معرفتی ایران ندارد، ولی از مؤلفه‌های اساسی الگوی معرفتی مرتون بهتر و بیشتر می‌توان در بومی‌سازی علم (اینجا جرم‌شناسی) در ایران بهره برد؛ زیرا تقدس علم در نظام معرفتی اسلام و ایران و حمایت ارزش‌های فرهنگی از علم و نهاد علم در کشور ما و مشروعیت علم، بستر مناسبی برای توسعه و تولید علم بومی فراهم می‌کند؛ چون بومی‌سازی در الگوی معرفتی مرتون، «به معنای جایگزین کردن مبانی فلسفی مستتر در دستاوردهای علمی جامعه‌شناسی با مبانی فلسفی حاکم

1. Max Weber.

۲. ویلهلم دیلتای و ماکس وبر هر دو از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی تفهیمی به شمار می‌روند.

3. Robert K. Merton.

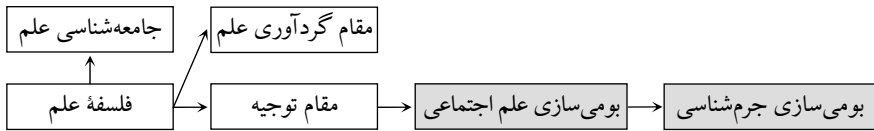
4. Michael Gibbons.

بر فرهنگ و تمدن جامعه ایران برای به کارگیری یافته‌های موجود و کسب دستاوردها و یافته‌های علمی جدید است» (همان: ۶) و همین مهم، رسالت بومی‌سازی را آشکار می‌کند. شکل شماره ۲، نقش فلسفه علم و جامعه‌شناسی علم را در بومی‌سازی نشان می‌دهد.

۱. فارغ از شباهت‌های جزئی دو مقوله جامعه‌شناسی علم (sociology of knowledge) و جامعه‌شناسی معرفت (sociology of scientific knowledge) و صرف نظر از بهره‌گیری بومی‌سازی جرم‌شناسی از داده‌های هر دو شاخه - هرچند بومی‌سازی جرم‌شناسی بیشتر از حوزه جامعه‌شناسی علم متأثر است -، بین دو مفهوم فوق تفاوت‌های بسیار مهمی وجود دارد که به اختصار مورد اشاره واقع می‌شود: ۱- جامعه‌شناسی علم اخص از جامعه‌شناسی معرفت بوده و در واقع از زیرشاخه‌های جامعه‌شناسی معرفت است و بنیان‌گذار جامعه‌شناسی علم، رابرت مرتون (Robert K. Merton, 1910-2003) است که ایده علم اجتماعی را مطرح کرده که تر رساله دکتری او بوده است؛ ولی جامعه‌شناسی معرفت، مفهومی عام است که واضع آن، فیلسوف آلمانی ماکس شلر (Max Scheler, 1876-1928) است که مختصات معرفت را احصا کرده است. ۲- کنشگر اصلی جامعه‌شناسی علم، رابرت مرتون است؛ اما نظریه‌پردازان دیگر این حوزه مانند مایکل مولکی، لئوناردو کاناوو، پرپیک، رزُنیک و اندرسون هم به تشریح مفاهیم این شاخه علمی کمک کرده‌اند و در مجموع آموزه‌های این حوزه عبارت‌اند از: الف- بررسی ساختارهای اجتماعی علم و فرایندهای علمی؛ ب- بررسی پیامدهای اجتماعی علم؛ ج- تلقی علم به مثابه یک فعالیت اجتماعی؛ د- بررسی موقعیت اجتماعی علم، تأثیرات اجتماعی آن و نیز ساختارهای اجتماعی و فرایندهای علمی (برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص جامعه‌شناسی علم، ر.ک: ودادهیر، ۱۳۹۷: ۱۸-۴۳).

۳- اما جامعه‌شناسی معرفت، روابط بین سنخ‌های مختلف زیست اجتماعی با انواع معرفت را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر اگر در جامعه‌شناسی علم بررسی نسبت علم و اجتماع و ساختارهای اجتماعی علم مطرح می‌شود، در جامعه‌شناسی معرفت، نسبت معرفت علمی با زیست‌های مختلف اجتماعی و نظام‌های فکری - مثل مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، کارکردگرایی و... - پارادایم‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی - مثل پارادایم اثباتی، تفسیری و انتقادی و... - مدنظر است. به عبارت بهتر، هسته اصلی جامعه‌شناسی معرفت، تحلیل و تبیین اجتماعی معرفت و شناخت است و می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که یک معرفت خاص - مثلاً پست مدرنیسم - در مورد یک حوزه خاص - مثل حوزه معماری، هنر، حقوق و... - تحت تأثیر کدام متغیرها و پارامترها شکل گرفته و یا دچار چه مشکلاتی است و کوتاه سخن اینکه داعیه جامعه‌شناسی معرفت، مطالعه رابطه بین اندیشه انسان و زمینه اجتماعی متأثر از آن است و از پیشگامان این حوزه می‌توان امیل دورکیم و مارسل موس را نام برد. در خاتمه خاطر نشان می‌سازد از کنشگران تأثیرگذار این حوزه می‌توان به کارل مانهایم (Karl Mannheim, 1893-1947) اشاره کرد که در کتاب مهم خود *ایدئولوژی و اتوپیا* و رساله دکتری خود، «تحلیل ساختاری شناخت» از رابطه معرفت با هستی اجتماعی و نسبت نظام فکری با زیست اجتماعی بحث کرده است (برای دیدن بحثی درخشان از جامعه‌شناسی علم و معرفت و مختصات جامعه‌شناسی معرفت و ارتباط آن با بومی‌سازی، ر.ک: موسوی دریاباری، ۱۳۸۹: ۳۶۰-۳۹۲). با این توضیحات، نوشتار حاضر رسالت بومی‌سازی جرم‌شناسی را در ساحت جامعه‌شناسی علم مورد واکاوی قرار داده است.

شکل شماره ۲: نقش فلسفه و جامعه‌شناسی علم در بومی‌سازی (مطالعه حاضر)



۳۴۵

گفتار دوم: گفتمان بومی‌سازی جرم‌شناسی در ایران

بعد از شناسایی مبانی نظری بومی‌سازی جرم‌شناسی، واکاوی و معرفی گفتمان بومی‌سازی جرم‌شناسی در ایران، گام بعدی نوشتار حاضر است. در آغاز، اشاره‌ای گذرا به برخی منابع بومی‌سازی جرم‌شناسی در ایران شده (منبع‌کاوی و منبع‌شناسی)، سپس ضمن بازخوانی مفهوم جرم‌شناسی از لنز بومی‌سازی (مفهوم‌کاوی و سرشت‌شناسی)، تعریف مختار بومی‌سازی جرم‌شناسی و تشریح مؤلفه‌های آن، بخش پایانی این گفتار خواهد بود.

۱. منابع ایرانی بومی‌سازی جرم‌شناسی

در این نوشتار، بدون مجامله باید به یک حقیقت تلخ اعتراف کرد و آن اینکه بومی‌سازی جرم‌شناسی در ایران به لحاظ حاکمیت نگرش‌های تحقیرآمیز، رویکرد عدم امکان مطلق، رویکرد توهم استغناء، عدم بلوغ کامل اجتماع علمی جرم‌شناسی در ایران و بالاخص ادبیات فقیر و اعتقاد کم‌رنگ به گفتمان بومی‌سازی، در رنج است. به همین دلیل، ادبیاتی تحقیقی و پژوهشی درخور، روشمند و قدرتمند در این حوزه شکل نگرفته است. جدول شماره ۱ برخی از مهم‌ترین منابع مرتبط با بومی‌سازی جرم‌شناسی در ایران را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- منابع بومی‌سازی جرم‌شناسی در ایران

ردیف	محقق جرم‌شناسی	عنوان پژوهش	حساسیت نظری/ رویکردها
۱	علی حسین نجفی ابرندآبادی	جایگاه جرم‌شناسی در ایران	بررسی و تعیین جایگاه جرم‌شناسی در ایران + تحولات جرم‌شناسی + عدم اعتماد کامل به بومی‌سازی در جرم‌شناسی
۲	علی حسین نجفی ابرندآبادی	الزامات کارآمدی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی	تأکید بر دموکراسی علمی + اصلاح جرم‌شناسانه قوانین و مقررات + تأمین امنیت علمی و آزاداندیشی

<p>گونه‌شناسی آسیب‌های آموزشی و پژوهشی جرم‌شناسی در ایران + ضرورت گسترش جنبه‌های آموزشی - پژوهشی جرم‌شناسی</p>	<p>آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی</p>	<p>علی حسین نجفی ابرندآبادی و حسین غلامی</p>	<p>بررسی تأثیرات سیاسی بر تحولات جرم‌شناسی شوروی سابق + تولد جرم‌شناسی سیاسی و حکومتی</p>	<p>علوم جنایی در رویارویی با رویدادهای سیاسی (درآمدی بر تحولات کیفری و جرم‌شناسی در پرتو انقلاب مارکسیستی - لنینیستی روسیه</p>	<p>علی حسین نجفی ابرندآبادی</p>
<p>رساله دکتری دفاع‌شده در سال ۱۳۸۹ با راهنمایی علی حسین نجفی ابرندآبادی است. هرچند در این رساله، امکان بومی‌سازی سیاست‌های کنترل جرم در ایران منفی اعلام شده است، اما رساله حاوی نکات ارزشمندی در خصوص کیفیت و درجات انتقال سیاست‌ها و مشکلات پیش روست و تمهید مناسبی برای بومی‌سازی جرم‌شناسی ایجاد می‌کند.</p>	<p>نقل و انتقال سیاست‌های کنترل جرم؛ با تأکید بر امکان بومی‌سازی این سیاست‌ها در سیاست جنایی ایران</p>	<p>کاظم کوهی اصفهانی</p>	<p>پایان‌نامه کارشناسی ارشد با راهنمایی حسین میرمحمدصادقی است. هرچند حوزه پژوهش، مربوط به حقوق کیفری است، اما نویسنده ضمن احصاء ضرورت‌های بومی‌سازی، برخی شیوه‌های بومی‌سازی در حقوق کیفری ایران را پیشنهاد داده است؛ گرچه در نهایت امر، در این پژوهش هم امکان بومی‌سازی حقوق کیفری بسیار پرچالش اعلام شده است.</p>	<p>بومی‌سازی در حقوق کیفری: ضوابط، مفاهیم و کارکردها</p>	<p>احمد نیک‌بخت</p>
<p>رساله دکتری دانشگاه مازندران با راهنمایی علی حسین نجفی ابرندآبادی است. هرچند موضوع رساله، جرم‌شناسی پست‌مدرن است، اما این رساله بستر بسیار مناسبی از حیث مبانی نظری بومی‌سازی برای محققان مهیا می‌کند؛ بالاخص با نقد اصول ایمانی مدرنیته و به چالش کشاندن آن‌ها، و این اثر را باید دروازه ورود به بومی‌سازی دانست.</p>	<p>جرم در سنجه جرم‌شناسی پست‌مدرن</p>	<p>حسین گلدوزیان</p>	<p>مقاله مستخرج از رساله دکتری تحت عنوان «مبانی تدوین الگوی اسلامی - ایرانی سیاست جنایی» است. رساله رویکردی انتقادی در پیش گرفته و بومی‌سازی را بیش از آنکه به مباحث معرفت‌شناسانه پیوند زند،</p>	<p>بومی‌سازی سیاست جنایی با تأکید بر نقد اهم مدل‌های غربی و گفتمان‌های فقهی سیاست جنایی</p>	<p>مهدی خاقانی اصفهانی و محمدعلی حاجی ده‌آبادی</p>

آن را منظومه‌ای میان‌رشته‌ای اعلام کرده است. با این حال، این رساله در حوزه سیاست جنایی، جزء اولین زمزمه‌های بومی‌سازی محسوب می‌شود و به تبع بستر مناسبی برای ورود به حوزه بومی‌سازی جرم‌شناسی ایجاد می‌کند و این جسارت تحقیقی نگارنده محترم در حوزه بومی‌سازی سیاست جنایی را باید به فال نیک گرفت (خاقانی اصفهانی و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۲: ۶۵-۸۷).			
تأکید بر عینیت و استقلال جرم‌شناسی و جرم‌شناسان + بومی‌سازی جرم‌شناسی	عینیت در جرم‌شناسی (سخنرانی)	علی نجفی توانا	۹
طرح دغدغه بومی‌سازی جرم‌شناسی + احصاء آسیب‌ها و موانع بومی‌سازی جرم‌شناسی در ایران	تأملی بر بومی‌سازی نظریات جرم‌شناسی در ایران	امیرحمزه زینالی	۱۰

۲. بازخوانی مفهوم جرم‌شناسی

ارائه مفهومی دقیق از بومی‌سازی جرم‌شناسی، مستلزم مفهوم کاوی خود جرم‌شناسی است. نوشتار حاضر در صدد احصاء تعاریف به عمل آمده از جرم‌شناسی در ادبیات جرم‌شناختی نیست؛ زیرا علم و وقوف کامل مخاطب این نوشتار بر این تعاریف مفروض است و به این حقیقت باید اذعان کرد که: «وضعیت کنونی جرم‌شناسی یکی از حالت‌های شکست تحقیرکننده با اصطلاحات خودش است و جرم‌شناسی به عنوان یک علم، دچار قصور شده است و نتوانسته ما را در موقعیتی قرار دهد که بتوانیم در مورد حساسیت‌ها و اطلاعات علمی این حوزه درباره حفظ جامعه، آن‌چنان که باید صحبت کنیم» (Braithwaite, 2017: 163). از طرفی «جرم‌شناسی ما با دیوشناسی^۱ آغاز شده است» (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۳۰۱). طبیعی است که دیوشناسی و لمبروزوگرایی در جرم‌شناسی ایرانی بیش از آنکه جرم‌شناسی را به سوی «جرم‌شناسی چه نیست؟» سوق دهد، به طرف «چیستی جرم‌شناسی» هدایت کرده و آن را از ماهیت خود دور می‌کند.^۲

1. Demonology.

۲. برای تأیید مدعا و آگاهی بیشتر ر.ک: بوس‌ورث و هوپل، ۱۳۹۸: ۲۴-۴۰. برای دیدن تعاریف مهم جرم‌شناسی از نگاه سرآمدان این حوزه ر.ک: فرجیها، ۱۳۸۲: ۹۲؛ ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱؛ رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۷؛ نجفی توانا، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۴.

به دیگر سخن، تمام توجهات در تعریف جرم‌شناسی و سرشت‌شناسی آن به معرفت ایجابی است نه معرفت سلبی (جرم‌شناسی چه نیست؟)، و طرفه آنکه در تعریف ایجابی از جرم‌شناسی هم رد پای مدعای سهمگین مکتب تحصّلی دیده می‌شود و به نظر می‌رسد که این تعاریف قابل تأمل است و نیازمند بحث و چالش بیشتر.

در یکی دیگر از تعاریف ارائه‌شده برای جرم‌شناسی به نقل از سیگل^۱، 'جرم‌شناس آمریکایی چنین آمده است:

«[جرم‌شناسی] مطالعه علمی^۲ ماهیت، دامنه و عوامل وقوع رفتار مجرمانه با هدف کنترل آن تعریف می‌شود» (حسینی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۰۴، به نقل از: Seigle, 2011: 4).

در همان مقاله به نقل از ادوین ساترلند در تعریفی دیگر از جرم‌شناسی آمده است:

«مطالعه علمی شیوه‌های قانون‌گذاری، نقض و چگونگی واکنش در برابر نقض قانون»^۳ (همان).

نویسندگان آن مقاله در قسمت‌های بعدی مقاله توضیح داده‌اند که «منظور از مطالعه علمی، مطالعه تجربی است» (همان: ۱۰۴). این تعریف که بعضاً مورد استفاده و استقبال جرم‌شناسی ایرانی هم واقع شده، با این پرسش مواجه می‌گردد که منظور از مطالعه علمی و مطالعه تجربی چیست؟ اساساً منظور از مطالعه، علمی بودن و تجربی بودن چیست؟ مطالعه این قبیل مقالات، پاسخ مکفی و مقنعی در این خصوص به ما نمی‌دهد. در تعریف جرم‌شناسی هم به خاطر وارداتی بودن و غلبه رویکرد ترجمه‌گرایی، جوهر و ذات و سرشت واقعی جرم‌شناسی دیده نمی‌شود و این ناکارآمدی مفهومی جرم‌شناسی ثمره چند دلیل است:

الف) تأکید بر جنبه ایجابی جرم‌شناسی و غفلت از جنبه سلبی آن؛
ب) سیطره، حاکمیت و سلطه مکتب اثباتی در تبیین‌های جرم‌شناختی؛

1. Seigle.

2. Scientific study.

۳. البته لازم به ذکر است که تعریف جرم‌شناسی از دیدگاه ساترلند - صرف نظر از آنکه یک تعریف بسیار موسعی است - نمی‌تواند مقبول جرم‌شناسی بومی قرار گیرد؛ زیرا ماهیت و ذات جرم‌شناسی، بسترشناسی اجتماعی وقوع جرایم، پیشگیری و اصلاح جامعه‌ی است نه مطالعه علمی شیوه‌های قانون‌گذاری (سیاست‌گذاری تقنینی) و نقض قانون و چگونگی واکنش به آن (کیفرشناسی یا پاسخ‌شناسی).

ج) فقد هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خاص جرم‌شناسی رایج ایرانی؛
 د) «تقلید منفی»^۱ (Alatas, 1993: 323).

تقلید منفی، کمی نیاز به توضیح دارد؛ با این بیان که ما در دانش جرم‌شناسی علاوه بر تقلید مثبت (هر آنچه غربی‌ها انجام داده‌اند، ما نیز باید انجام دهیم)، دچار تقلید منفی هم شده‌ایم؛ یعنی «تمایل به چیزی که نباید انجام بدهند نیز در ما وجود دارد» (Ibid.: 324) و این تقلید بسیار خطرناک‌تر از نوع اول و حتی شایع‌تر از آن است، که به نظر علت اصلی ناکارآمدی جرم‌شناسی ایرانی در همین امر نهفته است؛ برای مثال، همان‌طور که سیدفرید العطاس در مقاله «در باب بومی‌سازی گفتمان علوم دانشگاهی» اثبات کرده، در راستای تقلید منفی، جامعه‌شناسی مشخص در ارتباط با فساد، انحراف و موضوعاتی در این باب وجود ندارد؛ چون این‌ها برای کشورهای تولیدکننده دانش جامعه‌شناسی مسئله نبوده‌اند، پس برای ما هم مسئله نیست و همین تقلیدهای منفی به تعبیر سیدحسین و سیدفرید العطاس باعث ذهنیت گرفتار ما شده است (قانع‌راد، ۱۳۸۹: ۱۰۷). به همین دلیل، جان برایت ویت استدلال می‌کند راهکار رهایی از ذهنیت مسخر و تقلید منفی، «نه آنالیز سیاسی علم، بلکه مدلینگ فکر و شناسایی برخی از تفکرهای اساسی در روش‌های نظری جرم‌شناسی است و ما باید پوچ‌گرایی نظری را در برابر هر فردی که افق دیدش تا بیرون از طاقچه‌های اتاقش پیش می‌برد، کنار بگذاریم و به دنبال ارائه یک تعریف صحیح از جرم‌شناسی و پرورش نظریه‌ای پررنگ و عمومی و کاری دسته‌جمعی برای ساختن باشیم، به جای اینکه به دنبال کشتن آن در رجم باشیم» (Braithwaite, 2017: 166).

وانگهی با لحاظ تأثیرات گفتمان پست‌مدرنیسم بر «بازخوانی فلسفی - جامعه‌شناختی از سوژه انسانی و جرم در جرم‌شناسی» (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۳۰۱-۳۲۹) و با لحاظ اینکه «جرم‌شناسی دچار بحران پارادایمی شده است» (امینی‌زاده، ۱۳۹۸: ۸۱/۴)، از طرفی «همان‌طوری که استفانی^۲ و همکاران او گفته‌اند، تعریف مشروح و عمیق جرم‌شناسی به اندازه‌ای پیچیده است که بدون شک هیچ کس را ارضا نمی‌کند» (نجفی‌توانا، ۱۳۸۹: ۲۳) و در یک جمله، جرم‌شناسی یعنی «اوسواس کنترل» (Tauri, 2018: 1) و به نوعی

1. Negative imitation.

2. Stefani.

«تصادم بین آنچه هست و آنچه باید باشد» (Yakovlev, 2017: 145) و جرم‌شناسی با این تعریف، نه یک علم تجربی بلکه یک رشتهٔ دانشگاهی است (Tauri, 2018: 1)؛ البته مبتنی بر رویکردهای تجربی، فلسفی، شهودی و تفسیری.

اینک در مقام بازخوانی و تحلیل نهایی ماهیت اصیل جرم‌شناسی - البته با لحاظ توقعاتی که ایده بومی‌سازی از جرم‌شناسی دارد - شایسته است به چند نکته مهم توجه داشت؛ با این توضیح که تبیین ماهیت واقعی جرم‌شناسی جز در سایهٔ خوانش صحیح از جرم‌شناسی و رفع علل ناکارآمدی مفهومی آن مقدور نیست.

در همین راستا، گام آغازین این پژوهش در رفع این ناکارآمدی‌ها، تصحیح نحوه خوانش از جرم‌شناسی است. بدیهی است که قرائت پوزیتیویستی از مفهوم جرم‌شناسی - که علم‌زدگی و بعضاً علم‌پرستی مشخصه بارز آن است - این رشته را از رسالت اصلی خویش باز می‌دارد. لذا استفاده از تعابیری نظیر بسترمندی اجتماعی وقوع جرایم به جای استفاده از واژه‌های علل و اسباب وقوع جرم در علت‌شناسی، پیشنهاد تحقیقی مقاله حاضر می‌باشد؛ زیرا نوع خوانش ما از جرم‌شناسی، بیانگر پذیرش نوع معرفت‌شناسی حاکم بر جرم‌شناسی است، که بالتبع نوع روش‌شناسی آن را هم تعیین می‌کند؛ همچنان که نوع هستی‌شناسی حاکم بر جرم‌شناسی، نوع معرفت‌شناسی آن را رقم می‌زند.

نکته مهم دیگر اینکه منطق تحقیقی نمی‌پذیرد در تعریف جرم‌شناسی، به آراء اصحاب مکتب اثباتی و رهبران علمی و معنوی حلقه وین متوسل شد؛ ولی در روش‌شناسی، به پارادایم تفسیری، انتقادی دست یازید. این نحوه عمل، باعث انسداد تحقیقات جرم‌شناختی می‌شود.

وانگهی با توریق در ادبیات جرم‌شناسی ایرانی، بالاخص متون ترجمه‌ای جرم‌شناختی ملاحظه می‌گردد که به تبعیت از هستی‌شناسی حاکم بر جرم‌شناسی غربی، یک نوع فیزیکالیسم و کالبدگرایی بر جرم‌شناسی غربی حاکم شده که سرآغاز این نگرش را می‌توان به سزار لمبروزو منتسب کرد که جرم‌شناسی را با مجموعه‌شناسی و انسان‌شناسی جنایی به محافل دانشگاهی معرفی کرد. در حالی که انسان‌شناسی مدّ نظر جرم‌شناسی ایرانی با لحاظ جهان‌بینی اسلامی، دوری از کالبدگرایی صرف و توجه همزمان به دوگانه جسم/روح انسان، به عنوان یکی از موضوعات مهم جرم‌شناسی است و طرفه

آنکه نوع نگرش به انسان، مدت‌های مدیدی معرکه آراء مکاتب جرم‌شناسی کلاسیک و تحقیقی بوده است. به همین خاطر، برخی جرم‌شناسان به حق، پیشنهاد «بازخوانی فلسفی - جامعه‌شناختی از سوژه انسان را داده‌اند» (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۳۰۱).

از طرف دیگر، بر خلاف مدعای سهمگین جرم‌شناسی پوزیتیویستی - که نوعاً و عموماً تا به حال، دغدغه اثبات علمی بودن خود را داشته است - جرم‌شناسی از زاویه دید و لنز بومی‌سازی، بیشتر به دنبال اثبات کارایی، کارآمدی و اثربخشی نظریات جرم‌شناختی بومی است و در این رویکرد، علمیت جرم‌شناسی صرفاً یک وسیله، ولی عینیت، کارایی و کارآمدی، هدف مهم آن محسوب می‌شود و از وسیله، آیا توقعی جز رسیدن به هدف هست؟ در پرتو چنین رویکردی، جرم‌شناسی می‌خواهد نظریه‌های کنترل جرم را به معنای واقعی کلمه، در خدمت فهم دقیق انسان و جامعه، و به عبارت بهتر، فهم زمانمند و کرانمند معنای رفتار مجرمانه با نورافکنی بر بطن اقدامات قصدمندانه مرتکب بزه قرار دهد و از این طریق، قدرت توضیح‌دهندگی نظریات خود را اثبات کرده و در حل معمای جرم و کنترل جرم سهم‌خواهی کند.

از بعد فلسفه روش‌شناسی حاکم بر پژوهش‌های جرم‌شناختی نیز مشروعیت و مقبولیت بخشی به تکثر روش‌شناختی به جای حصر روش‌شناسی، در انجام پژوهش‌های جرم‌شناسی و حتی بومی‌سازی روش تحقیق، توقع دیگر بومی‌سازی از جرم‌شناسی است. نکته پایانی اینکه جرم‌شناسی، بیش از آنکه زیرمجموعه علم حقوق تلقی و به عنوان یک واحد درسی تدریس شود، یک رشته علمی محسوب گردیده و زیرمجموعه علوم انسانی تجربی قرار می‌گیرد و این جایگاه بخشی، به راستی مفهوم، آرمان و هدف مشخصی را پیش روی جرم‌شناسی قرار می‌دهد و علت تأکید پژوهش حاضر بر این جایگاه جرم‌شناسی، از یک طرف رجوع به انسان و جامعه به عنوان والدین جرم و از طرف دیگر، در نحوه تفسیر و معنادهی به کنش معنادار و قصدمندانه مجرم و توجه به اصالت و استقلال امر جرم‌شناسی در تعامل و حتی بعضاً در تقابل با امر جامعه‌شناختی، فرهنگی و سیاسی است. به دیگر سخن، امر جرم‌شناختی متمایز از امر کیفری، امر اجتماعی، امر سیاسی و امر فرهنگی است و تبیین و تفسیر جرم‌شناختی جز با رجوع به بسترهای اجتماعی جرایم میسر نمی‌شود و این تسمیه و توجه، لزوم استفاده همزمان از

روش‌های تحقیق تجربی در کنار روش‌های تحقیق مرسوم در علوم اجتماعی و انسانی نظیر روش‌های تفسیری و انتقادی را بیش از پیش آشکار می‌سازد و هرآینه تحلیلی واقع‌بینانه و کارآمد از واقعیات مجرمانه ارائه می‌دهد و در سایه چنین نگاهی است که جرم‌شناسی، ماهیت اصیل خویش را باز می‌یابد و از محصور شدن در قوالب تن و تاریک پوزیتیویستی دوری جسته و به دانش نافع و رهایی‌بخش تبدیل شده و در خدمت کنترل جرم قرار می‌گیرد. بدیهی است که با این خوانش از جرم‌شناسی در پرتو توقعات بومی‌سازی و با تغییر لنزها به مفهوم، اهداف و رسالت جرم‌شناسی رایج ایرانی، می‌توان به چستی و سرشت بومی‌سازی جرم‌شناسی پرداخت.

۴. چستی بومی‌سازی جرم‌شناسی

بومی‌سازی هم مسئله^۱ و هم خود راه حل است. بحث در مورد بومی‌سازی، حقیقتاً سهل و ممتنع است؛ چرا که بومی‌سازی در لفظ و ایده‌پردازی آسان، ولی در شیوه‌سازی و مدلینگ بسیار پرچالش و نفس‌گیر است. اما به لحاظ اهمیت گفتمان بومی‌سازی در کشورهای مصرف‌کننده^۲ نظریات جرم‌شناسی، به لحاظ اینکه از یک طرف بومی‌سازی جرم‌شناسی در کشور ما وجود خودآیین ندارد و از طرف دیگر توقعات از جرم‌شناسی بسیار زیاد بوده و آن را به سنگ محک و قطب‌نمای کنترل جرایم و انحرافات تبدیل کرده است، پس برای تحقق این توقع، حاکمیت باید با دیدگاه‌های بومی^۳ باشد. به دیگر سخن، بومی‌سازی شبیه یک منشور است که اگر از هر طرف به آن نور بتابانیم، یک واقعیت را نشان می‌دهد و بومی‌سازی، خرد متعارف جرم‌شناسی را در مواجهه علمی با انحرافات و جرایم به نمایش می‌گذارد.

نکته قابل تأمل اینکه هرچند جان برایت ویت به صورت کنایه‌آمیز بر این باور است که: «زمانی فرا خواهد رسید که جرم‌شناسی آسیایی، آزمون‌های عملی بر پایه نظریه‌های غربی را کنار گذاشته و در عوض مسیر جدیدی را برای دوره جدیدی از جرم‌شناسی آسیایی توسط دانشمندان آسیایی بنیان خواهد گذاشت» (Carrington, 2017: 68).

1. The problem of indigenization.
2. Consumer countries.
3. Native's point of view.

ولی با این حال نباید به دیده تحقیر و طعنه به بومی سازی جرم‌شناسی نگریست و یأس از آن را توسعه داد؛ به خاطر اینکه بومی سازی طبق اصل تضمن، ضمن در بر گرفتن تئوری‌های قبلی، با جذب گزینشی و انتقادی نظریات وارداتی غربی، به پالایش آن‌ها اقدام کرده و از صافی نیاز و اقتضاء ملی، استانی و محلی عبور داده و در آن صورت، بومی سازی نه خود بخشی از مسئله، مشکل و آسیب، بلکه صرفاً بخشی از راه حل می‌شود.

مسئله مهم دیگری که در ارتباط با سرشت بومی سازی جرم‌شناسی مطرح می‌شود، این است که موضع جرم‌شناسان ایرانی در ارتباط با بومی سازی جرم‌شناسی چیست؟ آن‌ها چه رویکرد و چه نسبتی با بومی سازی دارند؟ آیا تعریف و تبیین نسبتاً مقبولی از بومی سازی در ادبیات جرم‌شناسی معاصر ایران وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت است، این رویکردها کدام‌اند؟ نقاط ضعف و قوت آن‌ها کجاست؟ پاسخ به این سؤالات و نقد و بررسی آن‌ها، مفهوم و سرشت بومی سازی جرم‌شناسی را به نمایش خواهد گذاشت.

مروری بر تعاریف بومی سازی جرم‌شناختی در ایران نشان می‌دهد که این بحث در ادبیات جرم‌شناختی ما فقیر و بی‌مایه است و صرفاً تا به حال، چهار تعریف تقریباً مرتبط با بومی سازی جرم‌شناسی ارائه شده که به معرفی و تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود.

تعریف اول:

«بومی سازی یعنی کاربردی و عینی کردن رویکردهای این علم در جامعه از طریق برخی اصول مانند وفق دادن اصول فرهنگی و اعتقادی مردمان آن سرزمین، استفاده از منابع غنی اندیشمندان آن سرزمین و رفع جنبه‌های تقلیدی از چهره این علم» (زینالی، ۱۳۹۱: ۶۷).

این تعریف منابع معرفتی بومی سازی (مطالعات پسااستعماری و مؤلفه‌های فلسفه علم) را در پراوتز می‌گذارد و فاقد معرفت‌شناسی صحیح است و بیش از آنکه تعریف بومی سازی باشد، اشاره به برخی شیوه‌های بومی سازی است.

تعریف دوم:

«بومی سازی علوم اجتماعی یعنی وفق دادن این علم با مقتضیات مکانی، اعمال تمام مسائل بومی، فرهنگی، اعتقادی، زبانی و عوامل محلی این علوم است» (همان: ۶۵).

حسن این تعریف، اشاره به مؤلفه‌های فلسفه علم (مقام توجیه علم) و عیب آن، همان نقایصی است که بر تعریف اول همین نویسنده رفت. ضمناً این نویسنده، بومی‌سازی جرم‌شناسی را اراده کرده، ولی بومی‌سازی علوم اجتماعی را اختیار کرده است.

تعریف سوم:

«بومی‌سازی علوم اجتماعی، نیازمند پوییش و جوشش درونی اجتماعات علمی این علوم است البته با فراهم کردن شرایط مساعد برون علمی مانند شرایط مساعد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای تولید و مصرف تولیدات این علوم» (پناهی، ۱۳۹۳: ۴۴).

این تعریف نیز بیشتر به راهکارهای رفع موانع بومی‌سازی اشاره دارد نه تعریف و تبیین خود بومی‌سازی، و ضمناً کلی‌گویی در شرایط مساعد برون علمی، حتی در شیوه‌های بومی‌سازی هم، کمکی به امکان بومی‌سازی نمی‌کند.

تعریف چهارم:

«فرایند شناسایی، جذب، انطباق، تئوریزه کردن و اعمال نظریه جدید در مقام کنترل جرم و انحرافات، بومی‌سازی جرم‌شناسی نامیده می‌شود» (سهرابی اسمرود، ۱۳۹۶: ۸).

حُسن این تعریف در فرایند محور دانستن بومی‌سازی و اشاره به مراحل بومی‌سازی است؛ ولی این تعریف با این ایراد اساسی مواجه است که این مراحل صرفاً به بومی‌سازی یک نظریه اشاره دارد نه به بومی‌سازی کل دانش و نظریات جرم‌شناسی. افزون بر آن، این تعریف صرفاً به جذب منطبق بر مؤلفه‌ها و اقتضائات بومی یک نظریه وارداتی می‌پردازد و اشاره‌ای به تولید نظریه جرم‌شناختی بومی درون‌زا ندارد.

حال پس از نقد و بررسی اهم تعاریف و رویکردهای موجود در تعریف بومی‌سازی جرم‌شناسی، تعریف مختار نگارندگان از سرشت بومی‌سازی جرم‌شناسی ارائه می‌شود: بومی‌سازی جرم‌شناسی، سیاست علمی و خط‌مشی معرفت‌شناختی مبتنی بر رویکردهای تجربی با هدف تولید نظریات درون‌زای بومی جرم‌شناختی از یک طرف و شناسایی، جذب گزینشی و انتقادی نظریات جرم‌شناسی غربی سازگار با مؤلفه‌های بومی و محلی از طرف دیگر است که هدف هر دو، درک، مهار و مواجههٔ سنجیده و علمی با پدیده بزهکاری و کنترل جرم است. حال پس از ارائه تعریف مختار از بومی‌سازی جرم‌شناسی لازم است شاخص‌ها و مؤلفه‌های تعریف پیشنهادی بیشتر معرفی و ایضاح

مفهومی گردد. در تعریف پیشنهادی چند شاخص و رکن مهم دیده می‌شود که عبارت‌اند از:

الف) سیاست علمی و خط‌مشی معرفت‌شناختی

بومی‌سازی جرم‌شناسی در درجه اول، یک سیاست علمی فراگیر و یک سازه فکری و معرفت‌شناسانه است که در مقام کاربست، کارکرد اجرایی هم دارد. به عبارت دیگر، بومی‌سازی دو سویه دارد: سویه معرفت‌شناختی، سویه اجرایی. از حیث معرفت‌شناختی، فلسفه و جامعه‌شناسی علم بیشتر متکفل معرفی این بعد بوده و از حیث سویه اجرایی هم متولیان جرم‌شناسی و اجتماع علمی جرم‌شناسی، مسئول بررسی و ارزیابی میزان اثرگذاری و اثربخشی نظریه‌های بومی در عمل هستند. پس بومی‌سازی شمشیر دولبه است. از یک طرف، ابزاری مهم برای کنترل بومی جرم و یکی از سنجه‌های اثرگذار بر مقوله به‌زامداری^۱ است، از طرف دیگر در سویه اجرایی و در صورت سوءاستفاده از آن، جرم‌شناسی علمی به جرم‌شناسی دولتی تبدیل شده و به جای تولید علم بومی و وطنی، علم حکومتی و توصیه‌ای تولید می‌کند^۲ و بدین ترتیب، اخلاق پژوهشی حذف، استقلال علمی پژوهشگران سلب، و علم در خدمت زر و زور و تزویر قرار می‌گیرد و از رسالت اجتماعی خویش باز می‌ماند.

برای احتراز از این تالی فاسد، سعی پژوهش حاضر بر معرفی بومی‌سازی و تثبیت مؤلفه‌ها و شاخص‌های قوام‌بخش آن به مثابه خط‌مشی علمی حکمرانی برای کنترل جرم و ایجاد به‌زامداری علمی است و سوءاستفاده احتمالی از آن مقوله‌ای است که در مقام کاربست نظریه و اجرا پیش می‌آید. کوتاه سخن اینکه بومی‌سازی در مقام کاربست و اجرا، از اوصاف و رسالت‌های یک حکمرانی علمی شایسته است و این امر محقق نمی‌شود جز اینکه بومی‌سازی به دغدغه‌ای همگانی تبدیل شود و اراده عمومی و حاکمیتی هم در کنار کنشگری اجتماع علمی جرم‌شناسی برای تحقق آن وجود داشته

1. Good governance.

۲. یک نمونه بسیار مهم و آشکار در این زمینه، فرجام دانش جرم‌شناسی در حکومت شوروی سابق و تولد جرم‌شناسی دولتی است (برای تأیید مدعا و فرایند تبدیل جرم‌شناسی علمی به جرم‌شناسی دولتی ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۷۷۷-۷۷۹).

باشد و کنشگران جرم‌شناسی و متخصصان بومی‌سازی، مخاطب اصلی این دغدغه‌اند. در غیر این صورت، ایده بومی‌سازی صرفاً زینت‌بخش کتب و مقالات خواهد بود.

ب) ابتدای بومی‌سازی بر رویکردهای تجربی

هرچند استدلال شد که جرم‌شناسی یک دانش انسانی است، ولی این دانش انسانی خصوصی با پژوهش‌های تجربی و کمی ندارد؛ بلکه به صورت اجتناب‌ناپذیر از تحقیقات تجربی، رویکردهای علمی و پیمایش‌های میدانی برای تبیین پدیده بزهکاری استفاده می‌کند. اما در بومی‌سازی، استفاده از تحقیق علمی و تجربی صرفاً یک ابزار است و بومی‌سازی نه تنها هیچ معارضه و مقابله‌ای با علم جهانی و علم تجربی ندارد، بلکه از نتایج تحقیقات آن‌ها استفاده کرده و خود نیز بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد و به عبارت بهتر، بومی‌سازی مدّ نظر این مقاله، یک بومی‌سازی اعتدالی است نه بومی‌سازی رادیکال^۱ و یک بومی‌سازی تعاملی است نه بومی‌سازی تقابلی و در گسست کامل با علم جهانی.

ج) تناسب و اقتضاء

مهم‌ترین رکن بومی‌سازی، رعایت تناسب - معرفتی، فکری، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - و لحاظ اقتضانات جامعه محلی و بومی در پذیرش و جذب گزینشی نظریه‌های جرم‌شناختی وارداتی است. به عبارت بهتر باید بین نظریه جرم‌شناختی بومی و نیازها و اقتضانات جامعه محلی، تناسب^۲ وجود داشته باشد؛ یعنی جامعه بومی بر تن نظریه وارداتی غربی پوشانده شود و نظریه بومی در جامعه محلی هضم و پذیرفته شده و بخشی از فرهنگ و دانش بومی گردد.

د) مقام داوری علم

بومی‌سازی به عنوان یک امر معرفت‌شناسانه با لحاظ داده‌ها و آموزه‌های فلسفه علم، بیشتر در «مقام داوری علم» یعنی مقام موجه‌سازی و انطباق علم با شرایط بومی

۱. برای آگاهی بیشتر با ماهیت، اوصاف و شاخص‌های بومی‌سازی اعتدالی و رادیکال، ر.ک: حسینی و اسوکلابی و جمالی، ۱۳۹۴: ۳۶ به بعد.

صورت می‌گیرد. این مدعای مقاله، تمام ضدیت‌های مخالفان بومی‌سازی را به نوعی خنثی می‌کند؛ زیرا کنشگران و صاحب‌نظران دانشگاهی که با بومی‌سازی علم مخالف هستند، صرف‌نظر از آنکه اکثراً تابع فلسفه تحلیلی هستند، چنین استدلال می‌کنند: «فکر بی‌زمان و بی‌مکان است و فکر فقط یک چیز دارد و آن حق و باطل است» (ملکیان، ۱۳۸۶: ۵).

صرف‌نظر از آنکه این قبیل پژوهشگران، عنایتی به تفاوت فکر و علم بومی‌شده ندارند و مدعای آن‌ها صرفاً در مقام اول علم پذیرفتنی است، در حالی که بومی‌سازی اختصاص به مقام دوم علم، یعنی مقام توجه علم دارد و نهایتاً فکر اگر شرقی و غربی نداشته باشد، علم اجتماعی و انسانی، هم می‌تواند شرقی باشد و هم غربی و اصلاً علم بومی یعنی علم اقلیمی و محیطی.

۵) جاذبه و دافعه

بومی‌سازی جاذبه و دافعه علمی دارد؛ از یک طرف جذب می‌کند (عنصرافزایی بومی) و از طرف دیگر دفع می‌کند (عنصرزدایی خارجی) و در دیالکتیک این جذب و دفع، بومی‌سازی محقق می‌شود و برای یک مسئله بومی، راه حل بومی ارائه می‌شود که آن آرمان بومی‌سازی است.

بعد از اشاره به موضع جرم‌شناسان ایرانی در قبال ایده بومی‌سازی جرم‌شناسی و تبیین مفهوم، شاخص‌ها و مؤلفه‌های قوام‌بخش تعریف مختار، در بومی‌سازی جرم‌شناسی، توجه به نکات زیر بسیار حائز اهمیت است:

نخست اینکه با لحاظ تعریف مختار، تا به اینجا باید روشن شده باشد که بومی‌سازی جرم‌شناسی، یک نظریه نیست؛ بلکه همان‌طور که آمد، یک سیاست علمی فراگیر و خط‌مشی معرفتی مبتنی بر رویکردهای علمی برآمده از عقل بومی و عقل ایرانی در جهت کنترل بومی‌جرم است.

دوم اینکه بومی‌سازی جرم‌شناسی در پرتو بازخوانی مفهوم جرم‌شناسی، بر تناسب و هم‌نوایی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی جرم‌شناسی ایرانی تأکید و توجه مضاعف دارد و معتقد است که صرفاً با همسویی و هم‌آبی سه مؤلفه اخیر است که

می‌توان مواجهه مؤثر، علمی و کارآمد با بزهکاری داشت و از انسداد باب تحقیقات علمی در جرم‌شناسی جلوگیری کرد و بدیهی است که نتیجه این نوع بازشناسی مفهومی و سرشتی، پدید آمدن نوعی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی متناسب با ذائقه و اقتضانات جرم‌شناسی بومی و ایرانی بوده و هرآینه این خط‌مشی معرفتی، حق سوژه و ابژه تحقیقی خود را توأمان ادا خواهد کرد.

سوم اینکه در بومی‌سازی جرم‌شناسی، چرخ دوباره اختراع نمی‌شود و بر خلاف پارادایم کوهنی، ضمن پاسداشت حرمت، ارزش و اعتبار مطالعات علمی پیشین و بدنه دانشی انباشته در این حوزه، با پالایش و پیرایش آن‌ها و دخالت دادن مؤلفه‌های بومی و محلی، «(زمین‌لم‌یزرع جرم‌شناسی)» (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۳۴) به خاک مناسبی برای تهنید نظریات جرم‌شناختی غربی از یک‌سو و تولید نظریه‌های درون‌زا و بومی از سوی دیگر تبدیل می‌شود و در این مسیر، بومی‌سازی فرایندی تلقی می‌شود که در آن ضمن بهره‌گیری از نظریات آباء فلسفه و جامعه‌شناسی علم، مختصات، ساختار، اجزاء و مؤلفه‌های علم، معین می‌شود و سپس با استمداد از آموزه‌های فلسفه علم، علم از شبه علم و روش از شبه روش، علوم قوانین‌بنیاد از علوم قواعدبنیاد مجزا گردیده و در نهایت حسب مورد با توجه به نوع مدل بومی‌سازی،^۱ در مورد بومی‌سازی مسئله، روش و یا نظریه تصمیم‌گیری می‌شود که بومی‌سازی کدام یک از این‌ها، حسب مورد برای کنترل بومی جرم لازم است. در همین راستا، بومی‌سازی جرم‌شناسی - علاوه بر مشخص کردن موضوع بومی‌سازی - ابایی ندارد ادعا کند که در هر سه رکن اصلی دانش جرم‌شناسی رایج (علت‌شناسی جنایی، پیشگیری، اصلاح و درمان)، امکان طرح بحث بومی‌سازی وجود دارد؛ به خاطر اینکه یک «زن مسلمان پاکستانی که در حلبی آبادهای لاهور زندگی می‌کند، وجوه مشترک بسیار اندکی با مرد پروتستان مرفهی دارد که در سنت جانز وود لندن زندگی می‌کند» (فی، ۱۳۸۹: ۲۵). پس بدیهی است که معنای رفتار مجرمانه این دو فرد و جهان‌های این دو، با یکدیگر متفاوت بوده و نمی‌توان قوانین جهان‌شمول در حوزه علت‌شناسی جنایی و به طریق اولی در حوزه پیشگیری و اصلاح و درمان وضع کرد

۱. جایگاه اصلی این مباحث در بحث امکان یا امتناع و بومی‌سازی است.

و کاربست آن را در تمام نقاط دنیا برای تمامی افراد و فرهنگ‌ها تجویز نمود؛ چرا که «هر نوعی از جرم، نیازمند پیشگیری خاص خود است» (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۱۵۸). نکته پایانی اینکه نطفه تز بومی‌سازی، نه در گسست آن با علم جهانی، بلکه در تعامل مؤثر و هدفمند با آن است. به عبارت دیگر، بومی‌سازی جرم‌شناسی، معرفت و سیاست تعاملی است نه معرفت و سیاست تقابلی و تعارضی، و این ایده در صورت تحقق شرایط و زمینه‌های اجرایی، می‌تواند در کنار سایر پارادایم‌های حاکم بر جرم‌شناختی ایران^۱ مطرح بشود و دموکراتیک بودن فضای علم، نهاد علم، دانشگاه و آزاداندیشی علمی - که بومی‌سازی از مروجان اصلی آن است - منعی در عرض اندام این سیاست معرفتی در کنار سایر پارادایم‌ها نمی‌بیند و ناگفته پیداست که صرفاً کارایی و کارآمدی پارادایم‌ها و سیاست‌های علمی بومی کنترل جرم است که مقبولیت، مشروعیت و بقای آن‌ها را در یک اجتماع علمی، تثبیت و تضمین می‌کند، نه هژمونی آن‌ها.

نتیجه‌گیری

۱- بومی‌سازی علوم اجتماعی و انسانی و نیز مسئله امکان یا امتناع آن، مدت‌های مدیدی است که معرکه آراء اندیشمندان و محل مناقشه علمی متفکران کشورهای جهان سوم و نیز متفکران و کنشگران علوم اجتماعی و انسانی کشورمان شده است و در این میان برخی، بومی‌سازی علم را به طور کلی «از حیث موضوع‌گزینی، فرایند درآیی و فرآورده‌بینی ناممکن می‌دانند» (ملکیان، ۱۳۸۶: ۱-۵). پژوهش حاضر، قبل از بررسی امکان و امتناع بومی‌سازی جرم‌شناسی، بدواً به واکاوی سرشت بومی‌سازی جرم‌شناسی پرداخته است.

۲- بومی‌سازی جرم‌شناسی بدون توجه به منابع و مبانی معرفتی آن، حقیقتاً بی‌معنا و عبث است. به تعبیری، ساختن دستگاه فکری و فلسفی در خصوص بومی‌سازی، مستلزم واکاوی ابعاد نظری، تاریخی، مفهومی و تجزیه و تحلیل ریشه‌های فکری و فرهنگی آن است. در این نوشتار دو مبنای مهم معرفتی برای بومی‌سازی علم معرفی

۱. جرم‌شناسی ایرانی فعلاً دو پارادایمی است: اثباتی و انتقادی. هرچند پارادایم انتقادی، به اندازه پارادایم اثباتی در ایران، هژمونی به دست نیاورده است.

گردید: الف- مطالعات پسااستعماری که خود بر دو شاخه شرق‌شناسی و مطالعات فرودستان استوار بود؛ ب- آموزه‌های فلسفه علم بالاخص نقش مقام دوم علم، یعنی مقام توجیه علم در بومی‌سازی. تشریح آبخورهای معرفتی بومی‌سازی در هر دو شاخه نشان داد که میوه بومی بر شاخسار درخت محلی، نشئت گرفته از بحث‌های مفصلی است که در ابتدا پیشینه آکادمیک داشته و به نوعی با سویه سیاسی و ضد استعماری همراه بوده و «نوعی بومی‌سازی یا بومی‌گرایی هویت‌طلب بعد از دوران پسااستعماری شکل گرفته است و جریان استعمارزدایی^۱ به نفع اندیشه‌های بومی‌گرایی^۲ و بومی‌سازی کمک مؤثر کرده است و اصلاً در شروع بومی‌سازی، سؤال اساسی این بود که «آیا فرودستان می‌تواند حرف بزنند؟» (شریعتی، ۱۳۸۹: ۲۹۳) و «مطالعات فرودستان در نقد اروپامداری و تلاش برای ایجاد علم بومی، به داعیه اصلی کشورهای جهان سومی بالاخص در شرق آسیا و خاورمیانه تبدیل شده است» (همان: ۲۹۵-۳۰۵). افزون بر آن، از آغاز دهه هشتاد شمسی، اندیشه‌های بومی‌سازی بالاخص در زمینه علوم اجتماعی و انسانی نضج گرفت و علوم جنایی و جرم‌شناختی در کشور ما هم از همین گفتمان متأثر گردید؛ ولی ادبیات منسجم و تنوریزه‌شده در این خصوص شکل نگرفت و بحث‌ها به صورت تک‌نگاری، فردی و پراکنده پیگیری شد و دغدغه بومی‌سازی وارد حوزه عمومی نشد و پشتوانه رسمی و دانشگاهی پیدا نکرد. با این حال، برخی پژوهشگران بومی‌سازی، بارها دفاع خود را از بومی‌سازی علم در ایران نشان دادند و بومی‌سازی به ترجیح‌بند تمام پژوهش‌های آنان تبدیل گردید. مقاله پیش رو در پیگیری همین گفتمان تلاش کرد با تبیین سرشت بومی‌سازی جرم‌شناسی و جریان‌شناسی تاریخی و فکری آن، فتح باب مناسب، علمی و ضابطه‌مند در ارتباط با بومی‌سازی جرم‌شناسی ایجاد کرده و آغازگر یک گفتمان دانشگاهی منسجم و عمومی در اجتماع علمی جرم‌شناسی ایران باشد.

۳- مقاله حاضر نشان داد که ماهیت جرم‌شناسی در ایران، متأثر از مکتب اثباتی و تحصیلی است و اساساً ورود دانش جرم‌شناسی به ایران همزمان با غلبه اندیشه پساکنتی

1. Decolonization.
2. Nativism.

و مکتب تحقیقی همراه بوده است و «جرم‌شناسی به صورت علمی و مدرن از سال ۱۳۴۰ در محافل آکادمیک وارد شد و طبق بند ۶ از ماده ۱ اساسنامه مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، کشف طریقه‌های علمی - تربیتی جهت اصلاح بزهکاران و ارائه روش‌های بازگرداندن آن به زندگی شرافتمندانه و جلوگیری از تکرار جرم» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۲: ۴۱۸)، رسالت جرم‌شناسی در ایران اعلام شد و ناگفته پیداست که این رسالت، صبغهٔ تحصیلی دارد. با این حال، برخی جرم‌شناسان مسئله‌مند ایرانی، به طور مستقیم و غیر مستقیم دغدغه بومی‌سازانه خود را نشان دادند و اثبات کردند که «آنچه جوامع را از یکدیگر متشخص می‌کند، گونه و میزان بزهکاری است و رعایت الزامات دموکراسی علمی در حوزه مطالعات جرم‌شناسی و سیاست‌گذاری جنایی نیز اصل محوری است. راهکارهای مقابله با آن نیز گاه به بازنگری اساسی در شیوه حکمرانی و سیاست‌گذاری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیاز دارد» (همو، ۱۳۹۷: ۳۸۱-۳۸۲). در همین راستا، برخی دیگر از پژوهشگران جرم‌شناسی، از «بومی‌سازی جرم‌شناسی و عینیت در جرم‌شناسی» ایران دفاع کردند (نجفی‌توانا، ۱۳۹۴: ۳). برخی نیز از جایگاه اصیل «جرم‌شناسی به معنای علمی و کاربردی آن در ایران سخن به میان آورده‌اند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶: ۱۲۸) و همین آموزه‌های علمی جرم‌شناختی، به خوبی بستر و زمینه فکری و عملی مناسبی را برای طرح ایده بومی‌سازی جرم‌شناسی هموار کرد.

۴- در بررسی گفتمان بومی‌سازی جرم‌شناسی در ایران نشان داده شد که ادبیات غنی و پرمایه در خصوص سرشت بومی‌سازی جرم‌شناسی وجود ندارد. به عبارت بهتر، مشکل اصلی بومی‌سازی جرم‌شناسی در ایران، فقر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی متناسب با آن است. از این رو مقاله حاضر پس از جریان‌شناسی فکری و بررسی مبانی معرفتی، سرشت بومی‌سازی جرم‌شناسی را سیاست علمی و خط‌مشی معرفتی مبتنی بر رویکردهای تجربی در جهت کنترل بومی جرم اعلام کرد، سیاست و خط‌مشی که ثمرهٔ عقل بومی و عقل ایرانی برای حل مسئله بومی و ایرانی بوده و خود در مقام اجرا و کاربست، یکی از سنجه‌های اثرگذار بر مقوله به‌زامداری است.

کتاب‌شناسی

۱. ابراهیمی، شهرام، *جرم‌شناسی پیشگیری*، چاپ دوم، تهران، میزان، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۲. امینی‌زاده، محمد، «بحران پارادایمی در جرم‌شناسی»، در: *دایرةالمعارف علوم جنایی؛ علوم جنایی تجربی*، کتاب چهارم، تهران، میزان، بهار ۱۳۹۸ ش.
۳. برزگر، ابراهیم، *ریافت بومی سازی علوم سیاسی*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵ ش.
۴. بوس‌ورث، ماری، و کارولین هوپل، «درآمدی بر جرم‌شناسی: جرم‌شناسی چیست؟»، ترجمه حمیدرضا نیکوکار، در: *جرم‌شناسی چیست؟*، برگردان گروهی از پژوهشگران علوم جنایی، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، تهران، میزان، زمستان ۱۳۹۸ ش.
۵. بناهی، محمدحسین، «علم بهنجار و بومی کردن علوم اجتماعی»، *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، دوره هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۳ ش.
۶. حسین‌زاده، علی حسین، کریم رضادوست، محمدعلی مومینی، و ایرج مومینی، «گفتمان بومی سازی علم و ساختارهای اجتماعی: مدل استقرار مناسب نهاد علم جامعه‌شناسی درون ساختارهای اجتماعی جامعه ایران»، *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۲۲)، بهار ۱۳۹۴ ش.
۷. حسینی، سیدمحمد، و مسعود مصطفی‌پور، «رقم سیاه، چالشی فراروی آمار جنایی رسمی (با رویکردی تطبیقی بر آمریکا و ایران)»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
۸. حسینی واسوکلایی، سیدصمد، و حسین جمالی، «امکان یا امتناع "بومی سازی علوم سیاسی" در پرتو تجربه علوم سیاسی چین»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دهم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۴ ش.
۹. خاقانی اصفهانی، مهدی، و محمدعلی حاجی ده‌آبادی، «بومی سازی سیاست جنایی با تأکید بر نقد اهم مدل‌های غربی و گفتمان‌های فقهی سیاست جنایی»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هفتاد و هفتم، شماره ۸۲، تابستان ۱۳۹۲ ش.
۱۰. درودی، مسعود، و سیدصدرالدین موسوی، «مطالعات پسااستعماری: عرصه‌ای برای علوم انسانی بومی» *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، سال هجدهم، شماره ۷۰، بهار ۱۳۹۱ ش.
۱۱. رحیمی‌نژاد، اسماعیل، *جرم‌شناسی*، چاپ چهارم، تبریز، فروزش، ۱۳۹۴ ش.
۱۲. ریاست جمهوری (سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران)، *گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران*، بهار ۱۳۹۹ ش.
۱۳. زائری، قاسم، «ادوارد سعید: شرق‌شناسی، ضد شرق‌شناسی و شرق‌شناسی وارونه»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۴ ش.
۱۴. زینالی، امیرحمزه، «تأملی بر بومی سازی نظریات جرم‌شناسی در ایران»، *فصلنامه اختصاصی تحول در علوم انسانی*، دانشگاه تربیت مدرس، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۹۱ ش.
۱۵. سروش، عبدالکریم، *تفریح صنع؛ گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی*، چاپ نهم، تهران، صراط، بهار ۱۳۹۳ ش.
۱۶. سوفر، گایل، «هیدگر، انسان‌گرایی و تفکیک / تخریب تاریخ»، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، *مجله ارغنون*، شماره ۱۱-۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۵ ش.
۱۷. سهرابی اسمرو، مهران، «تأملی در موانع و محدودیت‌های بومی سازی جرم‌شناسی در ایران»، *فصلنامه دانش‌انظامی غرب تهران*، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی ناجا، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۱۸. شریعتی، سارا، «یک جامعه‌شناسی برای یک جهان؟ یک مسئله‌شناسی دوگانه»، در: *علم بومی، علم*

- جهانی؛ امکان یا امتناع؟، تهران، جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم، ۱۳۸۹ ش.
۱۹. صمدی، هادی، «علوم اجتماعی و علوم طبیعی؛ شباهت‌ها و تفاوت‌ها»، *روشن‌شناسی علوم انسانی*، سال شانزدهم، شماره ۶۲، بهار ۱۳۸۹ ش.
۲۰. فراستخواه، مقصود، «مقایسه سه گذرگاه معرفتی دربارهٔ "دانش بومی" در ایران با تأکید بر تحولات مفهومی، ساختی و کارکردی علم»، در: *علم بومی، علم جهانی؛ امکان یا امتناع؟*، تهران، جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم، بهار ۱۳۸۹ ش.
۲۱. فرجیها، محمد، «جنبه‌هایی از تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی بر سیاست جنایی»، *مدرس علوم انسانی*، دوره هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲ ش.
۲۲. فی، برایان، *فلسفهٔ امروزی علوم اجتماعی*، با نگرش چند فرهنگی، ترجمه خشایار دیبیمی، چاپ چهارم، تهران، طرح نو، ۱۳۸۹ ش.
۲۳. قانعی‌راد، محمدامین، «علوم اجتماعی مستقل / دگرواره و عینیت چندگانه (نگاهی به آراء سیدحسین و سیدفرید العطاس)»، در: *علم بومی، علم جهانی؛ امکان یا امتناع*، تهران، جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم، ۱۳۸۹ ش.
۲۴. کریمی، جلیل، «مقدمه‌ای بر مطالعات پسااستعماری»، *فصلنامه زیربار*، سال یازدهم، شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۶ ش.
۲۵. کوهی اصفهانی، کاظم، *نقل و انتقال سیاست‌های کنترل جرم؛ با تأکید بر امکان بومی‌سازی این سیاست‌ها در سیاست جنایی ایران*، رساله دکتری دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۸ ش.
۲۶. گلدوزیان، حسین، «بازخوانی فلسفی - جامعه‌شناختی از سوژه انسانی در جرم‌شناسی با تأکید بر نظریه تلفیقی جرم‌شناسی پست‌مدرن»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره شانزدهم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.
۲۷. همو، جرم در نتیجهٔ جرم‌شناسی پست‌مدرن، رساله دکتری دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، اسفند ۱۳۹۶ ش.
۲۸. ملکی، فخری، و رضا داوری اردکانی، «مفهوم علوم انسانی در اندیشه نخست و ویلهلم دیلتای»، *دوفصلنامه غرب‌شناسی بنیادی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱ (پیاپی ۱۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.
۲۹. ملکیان، مصطفی، سخنرانی در همایش: *علم بومی، علم جهانی؛ امکان یا امتناع؟*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تالار ابن خلدون، ۱۳۸۶ ش.
۳۰. موسوی دریاباری، سیدعقوب، «ساختار علم در چالش میان جهان‌شمولی، بوم‌گرایی و محلی‌گرایی»، در: *علم بومی، علم جهانی؛ امکان یا امتناع؟*، تهران، جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم، ۱۳۸۹ ش.
۳۱. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، «الزامات کارآمدی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی»، در: *مجموعه چکیده مقالات سومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران*، تهران، آگاه، بهار ۱۳۹۷ ش.
۳۲. همو، «جایگاه جرم‌شناسی در ایران»، *مجله کانون وکلاء دادگستری مرکز*، دوره جدید، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۶ ش.
۳۳. همو، «علوم جنایی در رویارویی با رویدادهای سیاسی (درآمدی بر تحولات حقوق کیفری و جرم‌شناسی در پرتو انقلاب مارکسیستی - لنینیستی روسیه)»، در: *دایرةالمعارف علوم جنایی: علوم جنایی تجربی*، کتاب چهارم، تهران، میزان، بهار ۱۳۹۸ ش.

۳۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و حسین غلامی، «آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق (ویژه حقوق)*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال ششم، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۵ ش.
۳۵. نجفی توانا، علی، *جرم‌شناسی*، چاپ هفتم، تهران، آموزش و سنجش، ۱۳۸۹ ش.
۳۶. همو، «عینیت در جرم‌شناسی»، سخنرانی در نشست تخصصی بررسی جنبه‌های مختلف دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۴ ش.
۳۷. نیک‌بخت، احمد، *بومی‌سازی در حقوق کیفری؛ ضوابط، مفاهیم و کارکردها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۱۳۹۳ ش.
۳۸. ودادهیر، ابوعلی، *آداب و سوگیری هنجاری در علم و فعالیت‌های آکادمیک؛ مطالعه طولی در دانشگاه‌ها و رشته‌های منتخب ایران*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، زمستان ۱۳۹۷ ش.
۳۹. هایدگر، مارتین، «عصر تصویر جهان»، ترجمه حمید طالب‌زاده، *فصلنامه فلسفه دانشگاه تهران*، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۹ ش.
۴۰. یوسفی، علی، و حسین اکبری، «تأملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی ایران»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال دوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰ ش.
41. Alatas, Syed Farid, "On the Indigenization of Academic Discourse", *Alternatives: Global, Local, Political*, Vol. 18(3), Sage Publication, Summer 1993.
42. Braithwaite, Joun, "The State of Criminology: Theoretical Decay or Renaissance", in: William S. Laufer & Freda Adler, *Advances in Criminological Theory*, Vol. 2, Routledge Publication, 2017.
43. Carrington, Kerry, "Asian Criminology and Southern Epistemologies", in: Jianhong Liu & Max Travers & Lennon Y.C. Chang (Eds.), *Comparative Criminology in Asia*, Springer, July 2017.
44. Cunneen, Chris & Juan M. Tauri, "Indigenous Criminology", in: A Brisman & E. Carrabine & N. South (Eds.), *The Routledge Companion to Criminological Theory and Concepts*, Routledge, Milton Park, 2017.
45. Tauri, Juan M., "The Master's Tools Will Never Dismantle the Master's House: An Indigenous Critique of Criminology", *Journal of Global Indigeneity*, Vol. 3(1), University of Wollongong, 22 May 2018.
46. Yakovlev, Alexander, "Epistemological Problems in Criminology", in: William S. Laufer & Freda Adler, *Advances in Criminological Theory*, Vol. 2, Routledge Publication, 2017.